



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

شهر  
سید  
۳  
خون



# خدائشناسی در قرآن

نمونه فیش سخنرانی  
ویژه ماه مبارک رمضان  
دهه اول

دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز سیدگنی به امور رسانا چند  
خمسر داند ماه ۱۳۹۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهد سخن ۳: خداشناسی در قرآن (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه اول ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶ ه ق)

نویسنده:

گروه پژوهشهای کاربردی مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر چاپی:

دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۸	شاهد سخن ۳: خداشناسی در قرآن (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه اول ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶ ه ق)
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	فهرست
۲۳	۱- فرصت ماه میهمانی خدا
۲۳	انگیزه سازی
۲۵	اقناع اندیشه
۲۶	پرورش احساس
۲۸	رفتار سازی
۳۰	روضه
۳۳	۲- آشنایی با میزبانی (معرفت اسماء و صفات الهی - آثار بسم الله...)
۳۳	انگیزه سازی
۳۴	اقناع اندیشه
۳۸	پرورش احساس
۴۰	رفتار سازی
۴۱	روضه
۴۳	۳- رحمت واسعه الهی
۴۳	انگیزه سازی
۴۴	اقناع اندیشه
۴۵	جزای خود عمل:
۴۶	جلوگیری از غفلت از یاد خدا:
۴۷	پرورش احساس
۴۸	رفتار سازی

۵۱	روضه
۵۳	۴- غضب الہی
۵۳	انگیزہ سازی
۵۴	اقتناع اندیشہ
۵۵	پرورش احساس
۵۸	رفتار سازی
۶۰	روضه
۶۳	۵- قدرت الہی
۶۳	ایجاد انگیزہ
۶۵	اقتناع اندیشہ
۶۷	پرورش احساس
۷۰	رفتار سازی
۷۱	روضه
۷۳	۶- رزاقیت الہی
۷۳	انگیزہ سازی
۷۴	اقتناع اندیشہ
۷۸	پرورش احساس
۸۰	رفتار سازی
۸۱	روضه
۸۳	۷- علم الہی (ستار العیوب)
۸۳	انگیزہ سازی
۸۵	اقتناع اندیشہ
۸۵	پرورش احساس
۸۹	رفتار سازی
۹۱	روضه
۹۳	۸- غفار الذنوب

۹۳	انگیزه سازی
۹۵	اقتناع اندیشه
۹۶	پرورش احساس
۹۸	رفتار سازی
۱۰۰	روضه
۱۰۳	۹- خالقیت، مالکیت، ربوبیت
۱۰۳	انگیزه سازی
۱۰۵	اقتناع اندیشه
۱۰۷	پرورش احساس
۱۱۰	رفتار سازی
۱۱۱	روضه
۱۱۴	۱۰- خدانشناسی حضرت خدیجه علیها السلام
۱۱۴	انگیزه سازی
۱۱۶	اقتناع اندیشه
۱۱۷	پرورش احساس
۱۲۰	رفتار سازی
۱۲۲	روضه
۱۲۴	فهرست تفصیلی
۱۲۷	درباره مرکز

## شهد سخن ۳: خداشناسی در قرآن (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه اول ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶ ه ق)

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: شهد سخن ۳: خداشناسی در قرآن (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه اول ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶ ه ق) / دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

مشخصات نشر: دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد خرداد ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۱۱۳ ص

زبان: فارسی

موضوع: مهمانی خدا

موضوع: غضب الهی - قدرت الهی

موضوع: رزاقیت الهی - علم الهی

موضوع: خداشناسی حضرت خدیجه

ص: ۱

اشاره



خداشناسی در قرآن (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه اول ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶ ه ق)

دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

عنوان و نام پدیدآور: شهد سخن ۳: خداشناسی در قرآن (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام دهه اول ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶ هـ ق)/ دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

مشخصات نشر: دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد خرداد ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۱۱۳ ص

زبان: فارسی

موضوع: مهمانی خدا

موضوع: غضب الهی - قدرت الهی

موضوع: رزاقیت الهی - علم الهی

موضوع: خداشناسی حضرت خدیجه

ص: ۴

# فہرست

۷	پیشگفتار
۹	مقدمہ مولف
۱۵	فرصت ماہ میہماں خدا
۲۵	آشنائی بامیزبان (معرفت اسماء و صفات اللہ - انار بسم اللہ ...)
۳۵	رحمت واسعہ اللہ
۴۵	غضب اللہ
۵۵	قدرت اللہ
۶۵	رزاقت اللہ
۷۵	عدا اللہ (ستار العیوب)
۸۵	غفار الذنوب
۹۵	خالقیت، مالکیت، ربوبیت
۱۰۵	خدا شناسی حضرت خدیجہ <small>ؓ</small>
۱۱۵	فہرست تفصیلی





ماه مبارك رمضان «شهر الله» است و ماه نزول قرآن، «كلام الله» است و رهاورد رسالت حضرت محمد (صلى الله عليه و آله) «رسول الله». ماه عروج و شهادت امير مؤمنان على (عليه السلام) «ولى الله». ماه تبليغ معارف اهل بيت عليهم السلام است كه آل الله اند.

در اين ايام كه مصداق حقيقى «ايام الله» اند و بهار معارف قرآن و اهل بيت (عليهم السلام)، مساجد كه «بيوت الله» اند، ميعادگاه جان هاى زنده و قلوب مستعدى هستند كه آماده پذيرش كلام وحى و مفسران حقيقى قرآنند.

آنچه در اين ايام و ليالى بيش از هر چيز مورد تقاضا و درخواست مخاطبان مؤمن منابر و محافل مذهبي و دينى است، سلسله مباحث معنوى، اخلاقى و معرفتى است كه برگرفته از قرآن و روايات و سيره ي معصومان عليهم السلام باشد و در قالبى نو و با بيانى رسا و ارائه اى دلنشين عرضه گردد.

مرکز رسیدگی به امور مساجد در راستای رسالت خود در ارائه خدمات فرهنگی، تبلیغی مجموعه ای از منشورات و مقالات و

کتاب های سودمند را به مناسبت ماه مبارک رمضان و مناسبت های دیگر تهیه و تدارک دیده است. این جزوه حلقه ای از سلسله محصولات محتوایی است که مباحث گوناگون معرفتی، اخلاقی، تاریخی و اجتماعی را بر اساس روش های موجود منبر و خطابه- که از سلف صالح برایمان به یادگار مانده است- تألیف و فرآوری کرده است. از تلاش های محققین و فضلاء مؤسسه تخصصی خطابه امیربیا و همکاران محترم دفتر مطالعات و پژوهش های قم در تهیه و ارائه این مجموعه محتوایی قدردانی می شود.

نقدها و نظرات و پیشنهادهای سازنده شما بزرگواران راهنمای راه آینده ما خواهد بود.

والسلام علیکم و رحمه الله

مرکز رسیدگی به امور مساجد

معاونت فرهنگی - اجتماعی

ص: ۸



إِنْ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ» (۱)

قرآن کتاب هدایت است و سزاوار است به عنوان منبعی در استخراج روشهای هدایت مورد توجه مبلغان دینی قرار گیرد. با اندکی تأمل بر آمارهای قرآنی می توان به نتایج قابل توجهی پیرامون شیوه تربیت و هدایت در قرآن دست یافت. به نمونه ای از این آمارها که مبنای موضوعات فیش های این مجموعه قرار گرفته است، اشاره می کنیم:

وقتی به موضوعات مطرح شده در ۶۶۳۶ آیه قرآن توجه می کنیم، در می یابیم: بیش از دو هزار آیه به صورت مستقیم و غیر مستقیم به معرفت اسماء و صفات خداوند متعال می پردازد؛

حدود دو هزار آیه به معاد و مواقف بعد از مرگ و نتایج اعمال در دنیای پس از مرگ می پردازد؛ و حدود دو هزار آیه به داستان های انبیاء و مسأله نبوت و ولایت مربوط است.

این در حالی است که تعداد آیات قرآنی پیرامون فروع دین؛ مانند حجاب ۴ آیه، غیبت ۱ آیه، نگاه حرام ۲ آیه، امر به معروف و

ص: ۹

نهی از منکر ۳۷ آیه است، حتی تعداد آیات مربوط به موضوعات مهمی مانند نماز و جهاد به ترتیب از ۹۸ و ۴۱ آیه تجاوز نمی کند. شاید بشود گفت؛ همه این موضوعات فرعی در مجموع تقریباً ۶۳۶ آیه را شامل می شود.

مقایسه تعداد آیات پیرامون خدا، قیامت و ولایت با بقیه موضوعات اخلاقی و احکامی نشان می دهد که برای شکل گیری رفتارهای دینی، باید ایمان به پایه های اعتقادی را در فرد مستحکم کرد. در عالم خارج هم این نظریه قابل اثبات است که هر جا فرد در انجام حکمی از احکام دین کوتاهی می کند به خاطر ضعف در یک یا چند پایه اعتقادی اوست؛ به عنوان مثال، اگر کسی خمس نمی دهد یا در کسب و کارش حلال و حرام را رعایت نمی کند، اعتقادش به رزاقیت الهی و عذاب سخت کسب حرام در قیامت ضعیف است، و گرنه هرگز مرتکب این رفتارها نمیشد، همچنان که اگر از متدینین اهل تقوی و رعایت احکام شرع پرسیده شود چه عاملی موجب تقید آنها به احکام و اخلاق دینی است، پاسخ آنها از چند حالت خارج نخواهد بود؛ یا به خاطر جلب رضایت الهی و علاقه به حضرت حق است، یا ترس از عقاب و امید به پاداش اخروی، و یا محبت به ولایت و اطاعت پذیری از حضرات اهل بیت ا. بنا بر این، اگر بخواهیم تغییری در رفتارهای مخاطبان خود ایجاد کنیم، لازم است ابتدا زیر ساختهای اعتقادی آنها را استحکام ببخشیم و در ضمن تبیین زیر بناهای اعتقادی، مفاهیم اخلاقی را برای آنها تبیین نموده تا تأثیر گذار باشد.

در کل فیش های سخنرانی این مجموعه که برای پذیرایی شما عزیزان از مهمانان ماه خدا تدارک دیده شده است، این مبنای قرآنی لحاظ شده است. در دهه اول ماه مبارک، صفات و اسماء الهی؛ دهه دوم، معاد و مواقف بعد از مرگ؛ و دهه سوم، مفاهیم مرتبط با ولایت اهل بیت ا مورد بحث قرار گرفته است و در هر جلسه یک پیام اخلاقی در ضمن موضوع فیش (در قسمت رفتار سازی) مورد توجه قرار داده شده است. موضوعات و پیام های ۳۴ جلسه به ترتیب ذیل می باشد:

\*خداشناسی در قرآن

### موضوعات / پیام ها

فرصت ماه میهمانی خدا / تقوا

آشنایی با میزبان / یاد خدا در همه کارها

رحمت واسعه / حکمت عدم استجابیت دعا

غضب الهی / ایمن دانستن خود از عذاب الهی

قدرت الهی / توکل

رزاقیت الهی / مال حرام

علم الهی / در محضر خدا معصیت نکنید

غفار الذنوب / بخشش دیگران

ربوبیت، مالکیت، خالقیت / فلسفه احکام

خدا شناسی حضرت خدیجه علیها السلام / انفاق برای یاری دین خدا

موضوعات / پیام ها  
مرگ / وصیت کردن  
قبر / بد اخلاقی با خانواده  
برزخ / امانت داری  
محشر و قیامت / صبر در مشکلات  
شفاعت و امام حسن مجتبی علیه السلام / گره گشایی از برادران دینی  
میزان اعمال، نامه اعمال، حوض کوثر / حسن خلق  
پل صراط / حق الناس  
جهنم / عجب و خود شیفتگی  
ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، شرط ورود به بهشت، قسیم النار والجنة /  
رسیدگی به ایتم  
ولایت الله و ولایت رسول صلی الله علیه و آله و ولایت ائمه علیهم السلام / ولایت فقیه

\*ولایت در قرآن

ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و پاسخ به شبهات، اهل سنت / دفاع از ولایت  
معرفت به امام / درک محضر امام  
امام زمان علیه السلام و شب قدر / خمس  
حب اهل بیت علیهم السلام، آثار و برکات، ایجاد محبت در فرزندان / تربیت فرزند  
اطاعت از اهل بیت علیهم السلام، شیعه و ویژگی ها / تقیه  
دفاع از شیعه ۱. پاسخ به شبهات وهابیت / زیارت اهل بیت علیهم السلام  
دفاع از شیعه ۲. پاسخ به شبهات وهابیت / توسل به ائمه اطهار علیهم السلام  
مقام شیعه در قیامت / هدایت دیگران  
شیعه و آخر الزمان و ظهور امام زمان علیه السلام / زمینه سازی برای ظهور امام زمان علیه السلام  
رجعت و بازگشت امامان و شیعیانشان و حکومت صالحان در زمین / ایمان

موضوعات / پیام ها

دعا / حسن ظن به خدا

شرایط استجاب دعا / امر به معروف و نهی از منکر

آداب دعا / رضایت به اراده الهی

عید فطر / مراقبه و محاسبه اعمال

امیدواریم تلاش خدمتگزاران شما در مرکز مطالعات و پژوهش های امور مساجد و موسسه تخصصی خطابه امیر بیان مورد استفاده شما آبادگران سنگرهای مساجد قرار گیرد و موجبات رضایت خداوند متعال را که میزبان مهربان این ماه عزیز است، فراهم نماید، ان شاء الله.

مدیر موسسه تخصصی خطابه امیر بیان



انگیزه سازی

از امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده است:

بَيْنَمَا أَنَا جَالِسٌ فِي مَسْجِدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذْ دَخَلَ أَبُو ذَرٍّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ جَنَازَهُ الْعَابِدِ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ مَجْلِسُ الْعَالِمِ؟

روزی در مسجد النبی صلی الله علیه وآله نشستیم که ابوذر وارد شد و گفت: یا رسول الله تشییع جنازه عابد نزد شما

محبوب تر است یا نشستن در مجلس عالم؟

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا أَبَا ذَرٍّ الْجُلُوسُ سَاعَةً عِنْدَ مُذَاكَرِهِ الْعَالِمِ أَحَبُّ إِلَيَّ

اللَّهُ مِنْ أَلْفِ جَنَازِهِ مِنْ جَنَازَةِ الشُّهَدَاءِ وَالْجُلُوسِ سَاعَةً عِنْدَ مُذَاكِرَةِ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ قِيَامِ أَلْفِ لَيْلَةٍ يُصَلِّي فِي كُلِّ لَيْلَةٍ أَلْفَ رُكْعَةٍ وَالْجُلُوسِ سَاعَةً عِنْدَ مُذَاكِرَةِ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ أَلْفِ غَزْوَةٍ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ كُلِّهِ.

ابوذر با تعجب گفت: یا رسول الله! مذاکره علم از قرائت کل قرآن فضیلتش بیشتر است؟

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَبَا ذَرٍّ الْجُلُوسُ سَاعَةً عِنْدَ مُذَاكِرَةِ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ كُلِّهِ اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ مَرَّةٍ.

سپس فرمودند: بر شما باد به مذاکره علم، زیرا که با علم است که حلال از حرام شناخته می شود و در ادامه فرمودند:

«وَمَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ لِيَلْتَمِسَ أَبَاً مِنَ الْعِلْمِ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ تَوَابَ نَبِيِّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَأَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ حَرْفٍ يَسْتَمِعُ أَوْ يَكْتُبُ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ وَطَالِبُ الْعِلْمِ أَحَبُّهُ اللَّهُ وَأَحَبُّهُ الْمَلَائِكَةُ وَأَحَبُّهُ النَّبِيُّونَ وَلَا يُحِبُّ الْعِلْمَ إِلَّا السَّعِيدُ وَطُوبَى لِطَالِبِ الْعِلْمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا أَبَا ذَرٍّ وَالْجُلُوسُ سَاعَةً عِنْدَ مُذَاكِرَةِ الْعِلْمِ خَيْرٌ لَكَ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةِ صِيَامٍ نَهَارُهَا وَقِيَامُ لَيْلِهَا.» (۱)

این روایت زیبا هم ارزش ویژه پای منبر علما نشستن را نشان می دهد و هم نشان می دهد اگر قدر لحظات عمر را بدانیم، هر ساعتش چقدر می تواند انسان را اوج دهد، مخصوصاً ساعات این ماه عظیم که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله در چنین روزهایی درباره این ماه فرمودند:

«شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ وَأَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ وَلَيَالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِيِ وَسَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ.» (۲)

ص: ۱۶

۱- . جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۳۸.

۲- . الأمالی (للصدوق)، ص ۹۵.



یکی از بدترین انواع غفلت، غفلت از سرمایه عمر است؛ چرا که عمر تنها سرمایه ما برای کسب سعادت ابدیست. اگر آن را ضایع کنیم، در قیامت قطعا جزء زیان کاران

هستیم، خدا در سوره مبارکه عصر می فرماید:

«وَ الْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ.»

فخر رازی در تفسیر این آیه می گوید: معنی این سوره را من از مرد یخ فروشی آموختم که فریاد می زد: «ارحموا من یدوب رأس ماله! ارحموا من یدوب رأس ماله!» رحم کنید به کسی که سرمایه اش ذوب می شود، رحم کنید به کسی که سرمایه اش ذوب می شود! پیش خود گفتم: این است معنی **إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ**؛ عصر و زمان بر او می گذرد و عمرش پایان می گیرد و ثوابی کسب نمی کند و در این حال زیان کار است.

به هر حال از نظر جهان بینی اسلام، دنیا یک بازار تجارت است. آیه مورد بحث می گوید: همه در این بازار بزرگ زیان می کنند، مگر گروهی که برنامه آن ها در آیه بعد بیان شده

است. (۱)

همان گونه که وجود نازنین امام هادی علیه السلام می فرماید:

«الدُّنْيَا سُوقٌ رِبْحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَ خَسِرَ آخِرُونَ.» (۲)

دنیا بازاری است که جمعی در آن سود می برند و جمع دیگری زیان.

ص: ۱۷

۱- . تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۹۴.

۲- [۴] تحف العقول، ص ۴۸۳.

خوب، چه کسی در این بازار ضرر می کند و جزء خاسرین است؟ به فرموده امام صادق علیه السلام «الْمَغْبُونُ مَنْ غَبِنَ عُمُرَهُ سَاعَةً بَعْدَ سَاعَةٍ» (۱) زیان کار

کسی است که از عمر خود زیان کرده باشد؛ ساعتی بعد از ساعت دیگر.

تیک تاک ساعت ناگه آوردم به خود

بی زبان شد ناصح گویای من

با زبان عقربک، می گفت عمر

می روم، بشنو صدای پای من

روز اگر در خواب غفلت خفته ای

در دل شب گوش کن نجوای من

### پرورش احساس

امام صادق علیه السلام می فرماید: «مِا مِنْ يَوْمٍ يَأْتِي عَلَى ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَالَ لَهُ ذَلِكَ الْيَوْمُ يَا ابْنَ آدَمَ أَنَا يَوْمٌ جَدِيدٌ وَأَنَا عَلَيْكَ شَهِيدٌ فَقُلْ فِي خَيْرٍ وَاعْمَلْ فِي خَيْرٍ أَشْهَدُ لَكَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَإِنَّكَ لَنْ تَرَانِي بَعْدَهَا أَبَدًا.» (۲)

هیچ روزی بر فرزند آدم نمی آید جز اینکه خطاب به آدمی می گوید: ای فرزند آدم! من روز جدیدی هستم و من بر تو گواه و شاهدم، پس در من کردار نیکو انجام ده تا من در روز قیامت به نفع تو گواهی دهم، زیرا تو پس از این هرگز مرا نخواهی دید.

در قدیم که سفرها اغلب با کشتی بود، ناخدا منتظر می شد

ص: ۱۸

۱- [۵]. معانی الأخبار، ص ۳۴۲.

۲- . الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۵۲۴.

نسیمی بوزد تا با قرار دادن کشتی در مسیر باد بتواند کشتی را به مقصد مورد نظر حرکت دهد. اگر بادی وزیدن می گرفت و ناخدا غافل بود، ممکن بود مدت ها از مقصدش عقب بماند. پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه وآله در روایتی بسیار زیبا می فرماید:

«إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامٍ دَهْرَكُمْ نَفَحَاتٍ، الَا فْتَعْرَضُوا لَهَا.»<sup>(۱)</sup> بدون شک برای پروردگار شما در دوران عمرتان نسیم های رحمتی است، به هوش باشید و خود را در معرض آن ها در قرار دهید. در طول تاریخ، افراد زیادی با قرار دادن خود در مسیر این نسیم ها و غنیمت شمردن فرصت های طلایی، به یکباره مسیر زندگی شان عوض شده است؛ افرادی مانند: حر، رسول ترک، فضیل عیاض و... .

روزی حضرت عیسی علیه السلام همراه حواریون (اصحاب نزدیک خود) در سیر و سیاحت خود، به روستایی رسید، دید اهل آن روستا و پرندگان و حیوانات آن، همه به طور عمومی مرده اند، فرمود: معلوم است که این ها به عذاب عمومی الهی کشته شده اند، اگر آنها به تدریج مرده بودند، همدیگر را به خاک می سپردند. حواریون گفتند: ای روح خدا! از خداوند درخواست کن تا اینها را زنده کند تا علت عذابی را که به سراغ آن ها آمده، برای ما بیان کنند، تا ما از کرداری که موجب عذاب الهی می شود، دوری کنیم. حضرت عیسی علیه السلام از درگاه خدا خواست تا آن ها را زنده کند. به عیسی علیه السلام ندا شد که: آنان را صدا بزن!

او شبانه بالای تپه ای رفت و فرمود: ای مردم روستا! یک نفر از

ص: ۱۹

---

۱- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۸، ص ۲۲۱.

آن‌ها زنده شد و گفت: بلی، ای روح و کلمه خدا! حضرت عیسی علیه السلام فرمود: وای به حال شما! کردار شما چه بوده که این‌گونه شما را دستخوش بلای عمومی نموده است؟

شخص زنده شده گفت: چهار چیز ما را مشمول عذاب الهی کرد: ۱. طاعت را می‌پرستیدیم ۲. دلبستگی به دنیا و ترس اندک از خدا داشتیم ۳. آرزوی دور و دراز ۴. غفلت و سرگرمی به بازی‌های دنیا.

- عاقبت کارتان چگونه پایان یافت؟

- شبی با خوشی به سر بردیم، صبح آن در هاویه افتادیم.

- هاویه چیست؟

- هاویه، سجین است.

- سجین چیست؟

- سجین، کوه‌های گداخته به آتش است که تا روز قیامت، بر ما می‌افروزد.

- وقتی که به هلاکت رسیدید، چه گفتید و مأموران الهی به شما چه گفتند؟

- گفتیم: ما را به دنیا بازگردانید، تا کارهای نیک در آن انجام دهیم و زاهد و پارسا گردیم، به ما گفته شد: دروغ می‌گویید. (۱)

## رفتار سازی

باید فرصت‌های طلایی را غنیمت شمرد یکی از نسیم‌های

ص: ۲۰

---

۱- اصول الکافی، ترجمه مصطفوی، ج ۴، ص ۷.

رحمت الهی و فرصت های طلایی، ماه مبارک رمضان است. وجود نازنین پیغمبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در اواخر ماه شعبان فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَهِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضَيْافَةِ اللَّهِ وَجُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ وَتَوْكُؤُكُمْ فِيهِ عِبَادَةٌ وَعَمَلُكُمْ فِيهِ مَقْبُولٌ وَدُعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ» (۱)

دوستان! چه فرصتی از این بهتر؟ اگر این نسیم رحمت الهی را از دست بدهیم و مانند همان ناخدایی که از باد غافل بود خودمان را در معرضش قرار ندهیم، معلوم نیست دوباره این فرصت برای ما میسر بشود. چه کسی تضمین کرده که ما دوباره ماه رمضان، این نسیم رحمت الهی را درک می کنیم؟ کافی است نگاهی به اطراف خودمان بیندازیم و جای خالی افرادی را که سال های گذشته در میان ما بودند و الان دستشان از دنیا کوتاه شده ببینیم. خدای متعال یک بار دیگر این توفیق را نصیب ما کرد تا میهمان بزرگترین ماه و بهترین لحظاتهش باشیم، پس بیایید قدر بدانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِمَ غُفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ» (۲) بدبخت کسی است که در این ماه بزرگ محروم بماند.

امیر المومنین علیه السلام می فرمایند:

ایستادم و سؤال کردم: یا رسول الله ما أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ؟

رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز پاسخ دادند: يَا أَبَا الْحَسَنِ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي

ص: ۲۱

۱- . عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه آقا نجفی، ج ۱، ص ۲۲۲.

۲- . الأمالی (للصدوق)، النص، ص ۹۵.

هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (۱)

همانگونه قرآن می فرماید فلسفه روزه، رسیدن به تقواست.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.» (بقره / ۱۸۳)

در نتیجه، روزه کسی بهترین روزه است که روزه اش تمرین تقوا باشد. در روایت آمده است:

«مَا يَصْنَعُ الصَّائِمُ بِصِيَامِهِ إِذَا لَمْ يَصُنْ لِسَانَهُ وَ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ جَوَارِحَهُ.» (۲)

روزه روزه دار برای او چه می کند، اگر زبان و گوش و چشم و دیگر جوارحش را حفظ نکند.

## روضه

در انتهای خطبه شعبانیه امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بعد از بیان فضائل این ماه گریه کردند. سوال کردم: یا رسول الله! چرا گریه می کنید؟ فرمودند:

«يَا عَلِيُّ أَبْكَى لِمَا يُسْتَحَلُّ مِنْكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ كَأَنِّي بِكَ وَأَنْتَ تُصَلِّي لِرَبِّكَ وَقَدْ انْبَعَثَ أَشْقَى الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ شَقِيقُ عَاقِرِ نَاقِهِ ثُمُودَ فَضْرَبَكَ ضَرْبَهُ عَلَى قَرْنِكَ فَخَضَبَ مِنْهَا لِحْيَتَكَ.» (۳)

گریه می کنم برای اینکه ریختن خون تو در این ماه حلال شمرده

ص: ۲۲

۱- . الأمالی (للصدوق)، النص، ص ۹۵.

۲- . دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۶۸.

۳- . الأمالی (للصدوق)، النص، ص ۹۵.

می شود و در حالی که به نماز ایستاده ای اشقی الاولین و الاخرین با ضربه ای بر فرقت، محاسنت را به خون سرت خضاب می کند.

اَمَّا لَا يَوْمَ كِيَوْمِكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَي الشَّيْبِ الْخَضِيبِ، سَلَامٌ بِرِ مَحَاسِنِ بِهْ خُونِ سِرِّ خَضَابِ شَدَّهْ اَتَ كَهْ وَتِي مَقَابِلِ  
دختر سه ساله ات قرار گرفت، با اشک چشم سؤال کرد:

بابا جانم! من الذي خضبك بدمائك؛ کی محاسنت رو به خون سرت خضاب کرده؟

من الذي ایتمني على صغر سنّي؛ کی مرا در این سنّ کم یتیم کرده؟

ص: ۲۳





## انگیزه سازی

امام صادق علیه السلام می فرماید:

روزی عبد الله بن یحیی نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد. پیش روی آن حضرت یک تخت بود، فرمود: بر آن تخت بنشین و عبدالله نشست. ناگهان آن تخت بر او چرخید تا اینکه با سر به زمین خورد و سرش زخم عمیقی برداشت و خون روان شد. آن حضرت آبی خواست و خون را شست؛ او را نزد خود خواند، در حالی که درد توان فرسایی داشت. دست خودش را بر محل زخم گذاشت و دست بر آن کشید، فوراً به هم چسبید؛ گویا اصلاً آسیبی ندیده.

سپس فرمود: ای عبدالله! خداوند را سپاس که پاک کردن

گناهان شیعیان ما را در دنیا به گرفتاری آن‌ها مقرر داشت تا طاعتشان سالم بماند و مستحق ثواب آن باشند. عبدالله گفت: ای امیر مؤمنان! به من فایده ای رساندی و مرا علمی آموختی. اگر خواستی آن گناهی را که برایش در این مجلس گرفتار بلا شدم به من بشناسان تا دیگر به آن گناه باز نگردم.

امام فرمود: آن گناه این بود که هنگام نشستن، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ نگفتی و خدا این بی ادبی و ترک وظیفه را با آنچه به تو رسید پاک کرد، مگر ندانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از خدای عز و جل نقل فرمود:

«هر کار مهمی که در آن بسم الله گفته نشود، دنباله بریده شود.»

گفتم: پدر و مادرم به قربانت! از این پس آن را وانهم. فرمود: در این صورت بدان بهره مند شوی و خوشبخت گردی. (۱)

## اقناع اندیشه

اما سؤال اینجاست: چرا بردن نام خدا اینقدر اهمیت دارد؟

امیر المؤمنین می فرماید: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ» (۲) اول و ابتدای دین شناخت خدای پروردگار است.

یکی از معرفت‌ها و شاید مهم‌ترین معرفت، معرفت به اسماء و اذکار الهی است، زیرا منشأ هر گناهی که ما مرتکب می شویم عدم معرفت به یکی از اسمای الهی است؛ برای مثال، اگر در کسب و

ص: ۲۶

---

۱- البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی، ج ۱، ص ۱۰۵.

۲- نهج البلاغه (للصباحی صالح)، ص ۴۰.

کارمان به دروغ متوسل می شویم، و اگر از ازدواج و فرزنددار شدن می ترسیم، برای این است که به رازقیت خداوند معرفت نداریم. اگر در بلاها و مصیبت ها و سختی ها کم طاقت هستیم و به خدا اعتراض می کنیم، به خاطر عدم معرفت به حکیم بودن خداوند است.

ماه رمضان، ماه میهمانی خداست. اگر قرار باشد خوب از این میهمانی استفاده کنیم، باید میزبان را بشناسیم. یکی از راه های شناخت خداوند، دعای جوشن کبیر است که مستحب است در روز اول ماه مبارک رمضان خوانده شود.

حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام از پدر خود امام جعفر صادق و ایشان از پدر خود از جدّ خود و ایشان از پدر خود حضرت امام حسین بن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب صلوات الله علیهم اجمعین فرمودند:

پدرم امیر المؤمنین علیه السلام به من گفت:

ای فرزند من! می خواهی سری از اسرار خدای عزّ و جلّ را به تو تعلیم دهم که رسول خدا صلی الله علیه وآله آن را به من تعلیم نموده و از اسرار آن حضرت بود که احدی بر آن مطلع نبود؟ گفتم: بلی. فدایتان شوم ای پدر بزرگوار! آنگاه فرمودند: در روز جنگ احد، جبرئیل علیه السلام بر رسول خدا صلی الله علیه وآله فرود آمد و آن روزی هولناک (و) بسیار گرم بود و پیغمبر صلی الله علیه وآله زرهی بسیار سنگین پوشیده بود که از جهت گرمی هوا و حرارت زره توانائی حمل آن را نداشت. پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمودند: سر خود را به جانب آسمان بلند کردم و خدای تعالی را دعا کردم.

درهای آسمان را دیدم که گشوده شد و جبرئیل علیه السلام غرق شده به نور و رحمت الهی بر من فرود آمد و به من گفت: السَّلامُ علیک یا رسولَ اللّٰه. در جواب گفتم: و علیک السَّلام ای برادر من، جبرئیل. گفت: خدای بلند مرتبه به تو سلام می‌رساند و تو را به تحیت و تعظیم مخصوص می‌گرداند و می‌فرماید: جوشن را از بدن خود این بیرون کن و دور ساز و در عوض آن این دعا را قرائت نما. پس هر گاه که این دعا را بخوانی و آن را با خود نگاهداری، مثل زره بر بدن تو خواهد بود.

گفتم: ای برادرم جبرئیل! این دعا مخصوص به من است یا برای امت من نیز هست؟ جبرئیل گفت: یا رسول الله! این هدیه ای از جانب خدای تعالی به سوی تو و به سوی امت توست. گفتم: ثواب کسی که این دعا را بخواند چیست؟

جبرئیل گفت: ای پیغمبر خدا! ثواب این دعا را نمی‌داند مگر خدای تعالی. قسم به کسی که تو را به راستی به پیغمبری فرستاده است، شخصی که شبی این دعا را بخواند، خدای تعالی به او روی می‌آورد و به سوی او نظر التفات می‌کند و تمامی آنچه از حاجت های دنیا و آخرت سؤال کند، به او عطا می‌کند. گفتم: ای برادرم جبرئیل! ثواب این دعا را برای من زیاد کن. گفت: در شبی که این دعا را می‌خواند، خدای تعالی از او شرّ شیاطین و مکر ایشان را دفع می‌کند و عمل های او را همگی قبول می‌کند و مال او را پاکیزه می‌کند و همچنین عمل های همه مؤمنان و زنان مؤمنه را نیز قبول می‌کند.

حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هیچ بنده ای از امت من نیست که این دعا را در ماه مبارک رمضان سه مرتبه یا یک مرتبه بخواند، مگر آن که خدای تعالی بدن او را بر آتش حرام می کند و بهشت بر او واجب می شود. پس قدر این دعا نزد من بزرگ تر و منزلت آن بلندتر است و کسی که این دعا را بخواند، خدای تعالی به او دو فرشته را موکل می کند که او را از گناهان نگاه دارند و خدای تعالی را تسبیح گویند و تنزیه کنند و او را از همه بلاها محافظت نمایند و برای او درهای بهشت را بگشایند و بر او درهای جهنم را ببندند و چندان که

او زنده باشد و در هنگام وفات، در حفظ و امان خدا خواهد بود. (۱)

خواندن این دعا ثواب های بسیار زیادی دارد که مختصری از آن را خدمت شما عرض کردیم. این همه ثواب برای این است که ما با هزار اسم از اسماء الهی آشنا می شویم و این معرفت برای رسیدن فرد به درجات عالیه ایمان بسیار موثر است. انشاء الله در این چند جلسه قرار است هر شب تعدادی از این اسماء الهی را خدمت عزیزان توضیح بدهیم. دعای جوشن کبیر مشتمل بر هزار نام از نام های خدا است و اسم اعظم نیز در آن است.

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت است که «بسم الله الرحمن الرحیم» به اسم اعظم الهی نزدیک تر است از سیاهی چشم به سفیدی آن. (۲)

ص: ۲۹

---

۱- مهج الدعوات، ترجمه طبسی، ص ۳۶۳.

۲- لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، ج ۱، ص ۱۲۹.

عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ أَوْ أَكَلَ أَوْ شَرِبَ أَوْ لَبَسَ ثَوْبًا وَكُلَّ شَيْءٍ يَصْنَعُ يَتَّبِعِي أَنْ يُسَمِّيَ عَلَيْهِ فَإِنْ هُوَ لَمْ يَفْعَلْ كَانَ الشَّيْطَانُ فِيهِ شَرِيكًا. (۱)

حال اگر کسی همه کارها را با نام خدا شروع کرد و همیشه بسم الله بر زبانش جاری بود، این کار برایش ملکه می شود و این ملکه شدن باعث بروز یاد خدا در قیامت می شود.

در روایت آمده که در روز قیامت بنده را به محل حساب می آورند و نامه اعمال او را که سرشار است از قبايح اعمال و فضايح افعال، به دستش دهند. بنده در حین گرفتن آن نامه بر سیل عادتی که در دنیا داشته باشد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بر زبان می راند و نامه را می گیرد. چون آن را بگشاید همه آن را سفید بیند و هیچ نوشته ای در آن مشاهده نمی کند. به فرشتگان می گوید: در اینجا چیزی نوشته نشده تا آن را بخوانم.

فرشتگان پاسخ می دهند: این نامه پر از سیئات و خطیئات تو بود، اما از برکت و میمنت بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ زایل گشت. (۲)

خوب است که ما گفتن بسم الله را به فرزندانمان بیاموزیم.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت است که:

«إِذَا قَالَ الْمُعَلَّمُ لِلصَّبِيِّ قُلْ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ - فَقَالَ الصَّبِيُّ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ - كَتَبَ اللّٰهُ بَرَاءَةً لِلصَّبِيِّ وَ بَرَاءَةً

ص: ۳۰

۱- . بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۳۲۸.

۲- . تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، ج ۱، ص ۳۳.

هر گاه معلمی به کودکی امر کند که بگوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ و آن کودک بگوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، خدای تعالی برات آزادی از دوزخ را برای آن کودک و پدر و مادر و معلم او می نویسد.

نقل شده که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله از گورستان بقیع گذر می کرد، وقتی به نزدیکی قبری رسید، به اصحاب فرمود: به سرعت از اینجا بگذرید. ایشان به تعجیل از آن جا گذشتند. در هنگام بازگشت وقتی به نزدیک همان قبر رسیدند و خواستند که بی درنگ از آن جا عبور کنند، حضرت فرمود: عجله نکنید. گفتند: یا رسول الله! آیا در هنگام آمدن، امر نکردید که به سرعت از اینجا بگذریم؟ فرمود: بلی. شخصی را عذاب می کردند، من طاقت ناله و فریاد او را نداشتم. اکنون خدای تعالی به او مرحمت کرده. گفتند:

یا رسول خدا! سبب عقوبت و رحمت خدا نسبت به او چه بود؟

فرمود: مرد فاسقی به سبب فسق تا این ساعت اینجا معذب بود، فرزند او را در این زمان به مکتب فرستادند و معلم او بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ را به او تعلیم داد و کودک آن را بر زبان جاری کرد. خداوند به فرشتگان مأمور عذاب او خطاب کرد که دست از عذاب او بردارید، روا نیست پدر را عذاب کنیم؛ درحالی که پسرش به یاد ماست. (۲)

ص: ۳۱

---

۱- . جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۴۲.

۲- . منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۱، ص ۳۱۳.

بردن نام خدا در همه کارها خوب و پسندیده است، اما در مورد بعضی از کارها به طور خاص سفارش شده که با بسم الله آغاز شوند.

۱- هنگام خواب: اثرش نوشته شدن حسنه به تعداد نفس ها تا صبح می باشد. (۱)

۲- قبل از آغاز به خوردن سر سفره طعام: اثرش برکت در طعام و حضور ملائکه الهی سر سفره و دعای آن ها برای اهل سفره و در صورت فراموشی بسم الله شریک شدن شیطان در غذاست. (۲)

۳- هنگام سوار شدن بر مرکب: اثرش محافظت شدن توسط یک ملک، از لحظه حرکت تا لحظه رسیدن به مقصد. (۳)

۴- ابتدای دعاها: اثرش استجاب قطعی دعاست به یکی از این دو طریق: یا رسیدن به حاجت در دنیا یا ذخیره شدن دعا در نزد پروردگار. (۴)

۵- قبل از انعقاد نطفه: اثرش عدم دخالت شیطان در انعقاد نطفه است و در صورت فراموشی، شیطان در نطفه شریک می شود. (۵)

ص: ۳۲

۱- . جامع الاخبار، ص ۴۳.

۲- . کافی، ج ۶، ص ۲۹۲.

۳- . کافی، ج ۶، ص ۵۴۰.

۴- . توحید صدوق، ص ۲۳۲.

۵- . من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۰۴.



در مورد بسم الله صحبت کردیم، ذهنم رفت کربلا... ملعونی سنگی به طرف آقا پرتاب کرد. به پیشانی مبارکش خورد. خون بر صورتش جاری شد. پیراهن عربی را بلند کرد تا خون را از صورت کنار بزند، تیر سه شعبه زهرآلوده به قلب نازنین آقا

نشست. صدا زد: بسم الله و بالله و على ملة رسول الله. (۱)

ص: ۳۳

---

۱- . لهوف، ترجمه فهری، ص ۱۱۹.



#### انگیزه سازی

مردی تصمیم گرفت به مدینه برود و رسول اکرم صلی الله علیه و آله را زیارت نماید. در بین راه، زیر درختی چند جوجه پرنده دید، آن ها را برداشت تا به عنوان هدیه برای پیامبر خدا ببرد. در همین موقع، مادر جوجه ها پرواز کنان از راه رسید و چون جوجه هایش را در دست مرد، اسیر دید، به دنبال او به راه افتاد. مرد در روی زمین راه می رفت و پرنده، پرواز کنان او را دنبال می کرد.

مرد به مدینه رسید. وارد شهر شد و یکسره به مسجد رفت و پس از زیارت نبی اکرم صلی الله علیه و آله، جوجه ها را نزد ایشان گذاشت. در این موقع، پرنده مادر که چند فرسخ به دنبال جوجه هایش پرواز کرده بود، به سرعت فرود آمد، غذایی را که به منقار گرفته بود، در دهان یکی از جوجه ها

گذاشت و سپس به سرعت پرواز کرده و دور شد. رسول خدا و اصحاب ایشان، نشسته بودند و این صحنه را می‌نگریستند. ساعتی گذشت. جوجه‌ها در وسط مسجد قرار داشتند و مسلمانان دور آن‌ها را گرفته بودند. در همین لحظه، دوباره پرنده مادر رسید و با اینکه خطر اسیر شدن به دست مردم او را تهدید می‌کرد، از جان گذشتگی نموده، فرود آمد، و غذایی را که تهیه کرده بود، در دهان جوجه‌ی دیگر گذاشت. سپس قبل از اینکه کسی او را بگیرد، پرواز کرده و دور شد. در این هنگام، رسول گرامی اسلام جوجه‌ها را آزاد فرمود. آن‌گاه رو به اصحاب کرده و فرمودند: «مهر و محبت این مادر را نسبت به جوجه‌هایش چگونه دیدید؟» اصحاب عرض کردند: بسیار عجیب و شگفت‌انگیز بود. پیامبر صلی الله علیه و آله

فرمودند: «قسم به خداوندی که مرا به پیامبری برگزید، مهر و محبت خدای عالم به بندگانش، هزاران مرتبه از چیزی که دیدید، بیشتر است.» (۱)

## اقناع اندیشه

وقتی صحبت از رحمت و اسعه الهی به میان می‌آید، یک سؤال اساسی و مهم به ذهن خطور می‌کند: اگر خدا رحیم است، چرا این همه بلا و مصیبت به بندگانش می‌دهد؟

برای پی بردن به جواب این پرسش، کافی است به علت‌های مختلف بلا- و مصیبت‌هایی که برای بشر پیش می‌آید توجه کنیم. بلاها و مصیبت‌ها علت‌های مختلفی دارند:

ص: ۳۶

---

۱- . تفسیر آسان، ج ۹، ص ۱۲۳.

## جزای خود عمل:

بسیاری از بلاها و مصیبت‌ها اثر اعمال خود ماست. خداوند در قرآن می‌فرماید:

«مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ.» (شوری / ۳۰)

و هر آسیبی به شما رسد به سبب اعمالی است که مرتکب شده‌اید، و از بسیاری [از همان اعمال هم] درمی‌گذرد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

تَوَقَّؤْا الذُّنُوبَ، فَمَا مِنْ بَلِيَّةٍ وَ لَمَّا نَقَصَ رِزْقِي إِلَّا بَدَنْبٍ حَتَّى الْخُدْشِ وَ النَّكْبَةِ وَ الْمُصِيبَةِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ.» (۱)

از گناهان پرهیز و دوری کنید، زیرا هیچ بلا و کمبود رزقی نیست، مگر آنکه به جهت گناهی باشد؛ حتی خدشه بر پوست، خوردن پا به سنگ و دیگر مصیبت‌ها. به راستی که خداوند می‌فرماید: آنچه از مصیبت‌ها و سختی‌ها به شما می‌رسد، به جهت آنچه است که با دست‌های خودتان انجام داده‌اید.

بلا برای مشخص شدن ارزش افراد:

«وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ.» (عنکبوت/۳)

ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم (و اینها را نیز امتحان می‌کنیم) باید علم خدا درباره کسانی که راست می‌گویند و کسانی که

ص: ۳۷

دروغ می گویند تحقق یابد.

مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ می گوید از امام رضا علیه السلام شنیدم که بعد از تلاوت آیه اول سوره عنکبوت (أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ) پرسیدند: مَا الْفِتْنَةُ؟

می گوید: عرضه داشتیم: فدای شما بشوم آنچه ما می دانیم فتنه در دین است. پس حضرت فرمودند: «يُفْتَنُونَ كَمَا يُفْتَنُ الذَّهَبُ ثُمَّ قَالَ يُخْلَصُونَ كَمَا يُخْلَصُ الذَّهَبُ» (۱)

همه می دانند ارزش طلا به میزان عیار آن است. بعضی از طلاها عیارشان ۱۷ است، بعضی ۱۸، بعضی ۲۱ و بالاترین عیار، ۲۴ است. زرگرها برای اینکه عیار طلا را مشخص کنند، طلای خام را در کوره قرار می دهند تا ذوب شود و ناخالصی هایش جدا شود. بعد از اینکه ناخالصی هایش از بین رفت، عیار آن مشخص می شود. خداوند متعال هم انسان ها را در کوره سختی ها، مشکلات، بلاها و مصیبت ها قرار می دهد تا عیار و ارزش آن ها را مشخص کند.

### جلوگیری از غفلت از یاد خدا:

گاهی ما به علل مختلف از جمله دنیا زدگی، احساس عدم نیاز و..... از خدا دور می شویم و غفلت از یاد خدا زمینه سقوط ما را فراهم می کند، زیرا که خداوند در قرآن می فرماید:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ.» (أنعام/۴۲)

ص: ۳۸

ما برای امت هایی که پیش از تو بودند (پیامبرانی فرستادیم و هنگامی که به مخالفت آن ها برخاستند) آن ها را به شدت و رنج و ناراحتی مواجه ساختیم شاید (بیدار شوند و در برابر حق) تسلیم گردند.

## پرورش احساس

این تصور که هر کس بلا و مصیبت و سختی نیند پس خدا دوستش دارد، کاملاً غلط است. آیات و روایات عکس این قضیه را ثابت می کند؛ اگر بلا نازل نشود از رحمت خدا دور هستیم؛ یعنی بلا رحمتی از ناحیه خداست.

پیغمبر صلی الله علیه و آله را برای طعام دعوت کردند، چون به منزل مرد میزبان در آمد، مرغی را دید که روی دیوار تخم می گذاشت، سپس تخم مرغ افتاد و روی میخی قرار گرفت، نه به زمین افتاد و نه شکست. پیغمبر صلی الله علیه و آله از آن منظره در شگفت شد. مرد عرض کرد: از این تخم مرغ تعجب می کنی؟ سوگند به آن که تو را به حق مبعوث ساخته من هرگز بلائی ندیده ام. رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاست.

غذای او را نخورد و فرمود: مَنْ لَمْ يُزَزَأْ فَمَا لِلَّهِ فِيهِ مِنْ حَاجَةٍ. کسی که بلائی نیند، خدا به او نیازی ندارد (لطف و توجهی ندارد). (۱)

و اتفاقاً گفته شده:

هر که در این بزم مقرب تر است

جام بلا بیشترش می دهند

ص: ۳۹

مرحوم سید عبدالکریم کفّاش اجاره نشین بود. روزی صاحب خانه ایشان را جواب کرد. وی بلافاصله اسباب و اثاثیه خود را از منزل بیرون آورده و در کنار کوچه ای گذارده بود و از این بابت بسیار نگران به نظر می رسید. در همان حال خدمت امام زمان ارواحنا فداه مشرّف می شود. مرحوم آقا سید عبدالکریم می گوید: حضرت به من فرمودند: صابر باش. عرض کردم: چشم! اما مصیبت اجاره نشینی مصیبتی است که شما خانواده گرفتار آن نشده اید. آقا [لیخندی زدند و] فرمودند: برای تو منزل فراهم می شود. چیزی نگذشت که برخی از اهل خیر برای او منزلی خریدند و خیال ایشان از این جهت آسوده گردید.

مقام عبودیت آن بنده راست

که راضی به تقدیر و حکم قضاست

اگر بنده شد قابل وصل دوست

نشان وصالش ورود بلاست

بود وصل پروانه در سوختن

از آن رو که او را بقا در فناست

به درگاه حق عبد صالح کسی است

که اندر بلا اهل سلم و رضاست

### رفتار سازی

و جالب اینجاست که یکی از جلوه های رحمت الهی در دنیا، عدم استجابت بعضی از دعاهاى بندگان است! یعنی چه؟! هر کس

ص: ۴۰



که محبوبی دارد، باید هر چه که او خواست اوست، در اختیارش بگذارد. خدا که بر همه چیز تواناست، پس چرا درخواست محبوبان خودش را استجابت نمی کند؟

کودک کنجکاو است و هر چیزی که اطرافش ببیند می خواهد؛ مثلاً چاقو. از نظر او چاقو خوب است، اما اگر از مادرش چاقو بخواهد، مادر ممانعت می کند؛ چون می داند برایش خطرناک است، هر چند کودک گریه و زاری و در نهایت قهر کند.

اینکه مادر به فرزندش چاقو نمی دهد از شدت علاقه است یا به علت بی علاقگی؟ بسیاری از دعاهای ما که به ظاهر خوب هستند، باطنشان همان چاقوست، منتها ما الان نمی فهمیم. ما مثل همان کودک ظاهر را می بینیم، ولی خدا باطن را می بیند؛ بنابراین اگر دعای ما برآورده نشد با خدا قهر نکنیم.

خداوند در قرآن می فرماید:

«وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا.» (اسراء / ۱۱)

و انسان (بر اثر شتابزدگی) بدی ها را طلب می کند آن گونه که نیکی ها را می طلبد، و انسان همواره عجل است.

دعاهای ما چه برآورده بشود و چه نه، نشانه رحمت و مهربانی خداست.

روزی «احمد بن محمد» از نزدیکان امام رضا علیه السلام، نزد ایشان شرفیاب شد و عرض کرد: «چند سالی است که حاجتی دارم و آن را از خدا خواسته ام، ولی دعایم مستجاب نمی شود؛ به گونه ای که

دیگر در دلم شک و تردید از استجاب آن راه یافته است و به تنگ آمده ام.»

امام رضا علیه السلام به تندی نگاهش کرد و فرمود: «ای احمد! مراقب باش که شیطان بر تو چیره نشود و تو را مأیوس و ناامید از رحمت پروردگار نسازد. بدان که جدم امام باقر علیه السلام فرمود: «مؤمن، نیاز خود را از خدا می خواهد؛ ولی خداوند بر آوردن آن را به تأخیر می اندازد؛ به این سبب که ناله و زاری او را دوست دارد.»<sup>(۱)</sup>

امام سجّاد علیه السلام فرمود:

«الْمُؤْمِنُ مِنْ دُعَائِهِ عَلَى ثَلَاثِ إِمَّا أَنْ يُدَّخَرَ لَهُ وَ إِمَّا أَنْ يُعَجَّلَ لَهُ وَ إِمَّا أَنْ يُدْفَعَ عَنْهُ بَلَاءٌ يُرِيدُ أَنْ يُصِيبَهُ.»<sup>(۲)</sup>

«مؤمن از دعای خود به یکی از سه نتیجه و امر می رسد: یا برای [آخرت] او ذخیره می شود، و یا با سرعت [حاجتش] بر آورده می شود، و یا بلایی که بنا بوده به او برسد [با این دعای او] دفع می شود.»

بسیاری از ما از آخرت و ذخیره نمودن خیرات برای خود غافل هستیم و مرتب برای حاجات دنیوی دعا می کنیم. وقتی خداوند می بیند که ما ذخیره آخرتی نداریم، در برابر دعاهایمان پاداش های آخرتی می دهد و حاجت دنیوی ما را بر آورده نمی کند، و این امر در آخرت برای ما روشن می شود. حضرت صادق علیه السلام فرمود: «فَيَتَمَنَّى الْمُؤْمِنُ أَنَّهُ لَمْ يَسْئَلْ لَهُ دَعْوَةً فِي الدُّنْيَا مِمَّا يَرَى مِنْ حُسْنِ الثَّوَابِ.»<sup>(۳)</sup>

ص: ۴۲

۱- . الكافي، ج ۲، ص ۲۴۳.

۲- . تحف العقول، النص، ص ۲۷۸.

۳- . الكافي، ج ۲، ص ۴۹۱، ح ۹.

وظیفه ما دعا کردن است؛ این که چگونه برآورده شود از علم و عهده ما خارج است؛ چون ما آگاه به غیب نیستیم بهتر است از خدا بخواهیم هر چه به مصلحت ماست همان را انجام بدهد.

## روضه

ابا عبد الله الحسین علیه السلام که در روز عاشورا هر چه از بلا و مصیبت برایش پیش آمد، عاشقانه صبر کرد و راضی به اراده خدا شد. سخت بود؛ جلو چشمان حضرت، علی اکبرش اربا اربا شد. من نمی دانم چه گذشت بر حضرت، آن موقعی که علی اکبر آمد اذن میدان بگیرد. ارباب مقاتل نوشته اند: فوراً اجازه دادند؛ نگاه مایوسانه ای به چهره و قد و بالای او کردند، بی

اختیار اشک از چشمشان جاری شد و فرمودند: «اللَّهُمَّ اشْهَدْ فَقَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمْ غُلَامٌ أَشْبَهُ النَّاسِ خُلُقًا وَ خُلُقًا وَ مَنْطِقًا بِرَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ كُنَّا إِذَا اشْتَقْنَا إِلَيْ نَبِيِّكَ نَظَرْنَا إِلَيْهِ فَصَاحَ وَ قَالَ يَا ابْنَ سَعْدٍ قَطَعَ اللَّهُ رَحِمَكَ كَمَا قَطَعْتَ رَحِمِي.» (۱)

باباجان

گمان مدار که گفتم برو، دل از تو بریدم

نفس شمرده زدم همرهت پیاده دویدم

دلم به پیش تو، جان در قفات، دیده به قامت

خدای داند و دل شاهد است من چه کشیدم

ص: ۴۳



یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه وآله می گوید:

در یکی از روزها که هوا بسیار گرم بود، من و گروهی از دوستان با رسول خدا صلی الله علیه وآله در سایه درختی نشسته بودیم. ناگهان جوانی از راه رسید، لباس های خود را از بدن بیرون آورده و با پشت و روی بدن و صورت خود بر ریگ های داغ بیابان غلتید و در حال غلتیدن می گفت: ای نفس! بچش، زیرا عذابی که نزد خداست، خیلی بزرگ تر از اعمال توست.

رسول خدا صلی الله علیه وآله این منظره را تماشا می کرد، چون کار جوان تمام شد و لباس پوشید و قصد حرکت کرد، حضرت او را به حضور طلبید و فرمود: ای بنده خدا! کاری از تو دیدم که از کسی سراغ

نداشتم، چه علتی سبب این برنامه بود؟

عرض کرد: خوف از خدا. فرمود: حق خوف را به جای آوردی، خداوند به سبب تو به اهل آسمان ها مباحثات می کند، سپس رو به یاران کرد و فرمود: هر کس در این محل حاضر است، به نزد این مرد برود تا او برایش دعا کند. همه نزد او آمدند و او هم بدین گونه دعا کرد: خداوندا! تمام برنامه های ما را در گردونه هدایت قرار ده و پرهیز از گناه را توشه ما کن و بهشت را نصیب ما فرموده و جایگاه ما قرار بده. (۱)

## اقناع اندیشه

متأسفانه بعضی از ما خشم و غضب خدا و عذاب الهی را جدی نمی گیریم.

علی بن محمد روایت کرده است که یکی از اصحاب گوید:

به حضرت صادق علیه السلام گفتم:

عده ای از دوستان شما مرتکب گناه می شوند و می گویند (به رحمت حق) امیدواریم، حضرت فرمود:

«كَذَّبُوا أَوْلِيَّكَ لِيُسُوا لَنَا بِمَوَالِ أَوْلِيَّكَ قَوْمٌ رَجَحَتْ بِهِمُ الْأَمَانِيُّ وَ مَنْ رَجَا شَيْئاً عَمِلَ لَهُ وَ مَنْ خَافَ شَيْئاً هَرَبَ مِنْهُ.» (۲)

«دروغ می گویند؛ هرگز دوستان ما نیستند. اینان افرادی هستند که آرزوهایشان بر آنان چیره شده. کسی که به چیزی امید دارد، کاری می کند که به آن برسد و کسی که از چیزی می ترسد، از آن فرار می نماید.» (۳)

ص: ۴۶

۱- بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۷۸.

۲- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۷، ص ۳۹۹.

۳- [۳] ایمان و کفر (ترجمه کتاب ایمان و الکفر بحار الأنوار جلد ۶۴)، ترجمه عطاردی، ج ۲، ص ۸۸.

همین خدایی که می‌گوییم رحمن و رحیم است، در قرآن کریم ۱۳ بار خود را شدید العقاب می‌نامند، همچنین ۱۴ مرتبه در قرآن کریم از غضب خداوند نام برده شده، آیا این جای تأمل ندارد؟!

یکی از آیات غضب خدا این است:

«كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَ مَن يَحِلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ.» (۱)

از خوردنی‌های پاکیزه [و مطبوع] که روزی شما نمودیم، بخورید و در [مورد] آن از حدود الهی تجاوز نکنید که خشم من بر شما فرود آید، و کسی که خشم من بر او فرود آید، یقیناً هلاک شده است.

ما هر روز در نمازهای پنجگانه ۱۰ مرتبه از خدا می‌خواهیم:

«اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ.»

ما را به راه راست هدایت کن؛ راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی، نه کسانی که بر آنان غضب کرده‌ای و نه گمراهان.

با این اوصاف هنوز خشم و غضب خداوند را باور نداریم؟

## پرورش احساس

از آیات قرآن که تن آدم را می‌لرزاند، آیه اول و دوم سوره مبارکه حج است. خداوند می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُدْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا

ص: ۴۷

وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ»

ای مردم! از (عذاب) پروردگارتان بترسید، که زلزله رستاخیز امر عظیمی است. آن روز که بینیدش، هر شیردهنده ای شیرخواره اش را از یاد برد و هر آبستنی بار خود بر زمین گذارد و مردم را چون مستان بینی، حال آنکه مست نیستند، بلکه عذاب خدا شدید است.

وقتی این آیات نازل شد، مردم در حال حرکت به سوی میدان جنگ بودند، پیامبر صلی الله علیه وآله مردم را صدا زد، آن ها توقف کردند و گرداگرد پیامبر صلی الله علیه وآله حلقه زدند، حضرت این آیات را بر آن ها خواند. صدای گریه مردم بلند شد، و در آن شب مسلمانان بسیار گریستند. هنگام صبح به قدری نسبت به دنیا و زندگی دنیا بی اعتنا شده بودند که حتی زین به روی مرکب ها نهادند و خیمه ای بر پا ساختند، گروهی گریه می کردند و گروهی نشسته و در فکر فرو رفته بودند. رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: آیا می دانید این چه روزی است؟ عرض کردند: خدا و پیامبرش آگاه تر است. فرمود: روزی است که از هر هزار نفر ۹۹۹ نفر به سوی دوزخ روان می شوند و تنها یک نفر به سوی بهشت می رود! این امر بر مسلمانان سخت آمد و شدیداً گریستند و عرض کردند: پس چه کسی نجات خواهد یافت؟ پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: گنهکارانی غیر از شما هستند که اکثریت را تشکیل می دهند. من امیدوارم شما حداقل یک چهارم اهل بهشت باشید (مسلمانان تکبیر گفتند)، بعد فرمود: امیدوارم یک سوم اهل بهشت باشید (باز هم تکبیر گفتند)، بعد اضافه فرمود: امیدوارم دو سوم اهل بهشت از شما باشد، چرا که اهل بهشت ۱۲۰



امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَضِيحُ إِلَّا خَائِفًا وَإِنْ كَانَ مُحْسِنًا، وَلَا يَمْسِي إِلَّا خَائِفًا وَإِنْ كَانَ مُحْسِنًا لِأَنَّهُ بَيْنَ أَمْرَيْنِ: بَيْنَ وَقْتٍ قَدْ مَضَى لَا يَدْرِي مَيَّ اللَّهُ صَانِعٌ بِهِ، وَبَيْنَ أَجَلٍ قَدْ أَقْتَرَبَ لَا يَدْرِي مَا يُصِيبُهُ مِنَ الْهَلَكَاتِ أَلَا وَقُولُوا خَيْرًا تَعْرِفُوا بِهِ وَاعْمَلُوا بِهِ تَكُونُوا مِنْ أَهْلِهِ، صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَإِنْ قَطَعُواكُمْ وَعُودُوا بِالْفَضْلِ عَلَى مَنْ حَرَمَيْكَ وَأَدُّوا الْأَمَانَةَ إِلَى مَنْ ائْتَمَنَكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ مَنْ عَاهَدْتُمْ وَإِذَا حَكَمْتُمْ فَاعْدِلُوا.» (۲)

مؤمن شبش را روز نمی کند، مگر در حال ترس، گرچه همه ساعات شبش را به نیکی گذرانده باشد و روزش را سپری نمی نماید، مگر در حال وحشت، گرچه روزش به خوبی گذشته باشد؛ مؤمن بین دو امر است: زمانی که بر او گذشته و نمی داند خداوند با او چه معامله ای می کند و زمانی که بر او نیامده و نمی داند دچار چه بلا و مهلکه ای خواهد شد! آگاه باشید! زبان خود را فقط به خیر باز کنید، به نحوی که شما را جز به گفتار نیک شناسند؛ و خوبی کنید تا خداوند شما را در شمار نیکان آورد؛ با خویشاوندان پیوندید، گرچه خویشاوندان با شما قطع رابطه کرده باشند؛ و به آن کس که روز نیاز شما از شما دریغ کرد، آنچه لازم دارد بپردازید؛ امانت آنان که شما را امین دانسته اند، برگردانید و به عهد خود وفادار باشید و به هنگام حکم کردن عدالت را

مراعات نمایید.

ص: ۴۹

۱- تفسیر مجمع البیان و تفسیر نور الثقلین و تفسیرهای دیگر (با کمی تلخیص).

۲- بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۴۰۴ و الأمالی، شیخ طوسی، النص، ص ۲۰۸، المجلس الثامن.

از جمله گناهان کبیره قطعی و بزرگترین گناهان کبیره که در بزرگی بالاتر از قتل نفس، عاق والدین، زنا و خیلی از گناهان کبیره شمرده شده، این است که انسان خودش را از غضب الهی ایمن بداند. (۱)

از صفوان جمال روایت است: امام جعفر صادق علیه السلام را مشاهده کردم که پیش از تکبیر، رو به قبله آورده، فرمود: «اللَّهُمَّ لِمَا تُؤَيِّسِنِي مِنْ رَوْحِكَ، وَلَا تُقَنِّطِنِي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تُؤَمِّئِنِي مَكْرَكَ؛ فَإِنَّهُ لَا يَأْمُنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ؛ خداوندا! نومید مکن مرا از راحت خود، و مأیوس مکن مرا از رحمت خود، و ایمن مگردان مرا از مکر خود. پس به درستی که ایمن نمی شوند از مکر خدا، مگر گروه زیانکاران.» عرض کردم: فدای تو گردم! من این را از کسی پیش از تو نشنیده ام. فرمود:

«به درستی که از جمله بزرگ ترین گناهان کبیره در نزد خدا، یأس است از روح خدا، و نومیدی از رحمت خدا، و ایمنی از مکر خدا.»

زیرا که کسی که دچار حالت ایمنی از عذاب الهی می شود و خودش را از عذاب در امان می بیند، دچار اصرار بر گناهان می شود و خود این تکرار گناهان علامت ابتلا به گناه بزرگ ایمنی از مکر الله است! امام صادق علیه السلام می فرماید: «...  
الْإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ أَمْنٌ لِمَكْرِ

ص: ۵۰

اللَّهِ - فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ (۱)» (۲)

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

«قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي لَا - اجْمَعُ عَلَى عِبْدِي خَوْفِينَ وَلَا - اجْمَعُ لَهُ أَمْنِينَ، فَاذَا أَمِنَنِي فِي الدُّنْيَا أَحَقَّتْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ إِذَا خَافَنِي فِي الدُّنْيَا أَمِنْتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.» (۳)

خداوند متعال در حدیث قدسی فرمود: به عزت و جلالم سوگند! که برای بنده ام دو ترس و دو امتیّت با هم فراهم نمی آورم. اگر در دنیا خود را از من ایمن بدانند، در روز رستاخیز او را هراسان کنم و اگر در دنیا از من بترسد، در روز قیامت او را ایمن گردانم.

شیخ صدوق از پدر بزرگوارش نقل می کند:

یحیی بن زکریّا، آن قدر نماز خواند و گریه کرد که صورتش آسیب دید. پارچه ای از کرک به جای آسیب صورت گذاردند، تا اشک دیدگانش بر آن بریزد. او به خاطر خوف از مقام الهی این چنین گریه می کرد و بسیار کم خواب شده بود. پدر بزرگوارش به او گفت: پسرم از خدا خواسته ام چنان لطف و عنایتی به تو کند که خوشحال شوی و چشمت به محبت حق روشن گردد. عرض کرد: پدر! جبرئیل به من گفت: قبل از آتش جهنم صحرای سوزانی است که از آن عبور نمی کند، مگر کسی از خوف حق زیاد گریه کند.

ص: ۵۱

---

۱- . أعراف / ۹۷.

۲- . تحف العقول، النص، ص ۴۵۶.

۳- . بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۳۷۹، باب ۵۹، حدیث ۲۸ و الخصال، ج ۱، ص ۷۹، حدیث ۱۲۷.

فرمود: پسرم گریه کن! زیرا گریه از خوف خدا، حق توست. (۱)

## روضه

حضرت زکریا علیه السلام از پروردگار خود خواست که به او اسماء خمسہ طیبہ را بیاموزد، جبرئیل فرود آمد و آن‌ها را به او آموخت. زکریا چون محمد و علی و فاطمه و حسن علیهم السلام را یاد می‌کرد، هم‌اش برطرف می‌شد و گرفتاریش زائل می‌گردید و چون حسین علیه السلام را یاد می‌کرد، گریه گلایش را می‌گرفت و مبهوت می‌گردید. یک روز عرض کرد: معبود من! مرا چه می‌شود که چون چهار نفر از خمسہ طیبہ را یاد می‌کنم، به یاد آنان از غم‌های خود آرام می‌شوم و چون حسین علیه السلام را یاد می‌کنم، اشکم جاری می‌شود و ناله ام بلند می‌شود. خدای تبارک و تعالی او را از قصه حسین خبر داد و فرمود: کهی‌عص؛ "کاف" نام کربلا است و "هائ" هلاک عترت است و "یاء" یزید علیه اللعنه است که او ظالم بر حسین است، "عین" عطش حسین است و "صاد" صبر او است. چون زکریا این مطلب را شنید، نالان و غمگین گردید و تا سه روز از مسجد خود بیرون نیامد و به مردم اجازه نداد در آنجا نزد او بروند و گریه و ناله سرداد. (۲)

مصیبت ارباب بی کفن چقدر سنگین است که همه انبیاء برای

ص: ۵۲

---

۱- . الأملی، شیخ صدوق، ص ۲۷، المجلس الثامن، حدیث ۳ و بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۱۶۶، باب قصص زکریا و یحیی علیهما السلام، حدیث ۴.

۲- . کمال الدین، ابن بابویه، ترجمه کمره ای، ج ۲، ص ۱۳۵، تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۷ش.

آن اشک ریخته اند. یکی از روضه های سوزناک حضرت، روضه عطش آن حضرت است، وقتی حضرت آمدند با اهل خیمه وداع کنند، سخت تشنه بودند. وقتی ذوالجناح با یال خونین به سوی خیمه ها برگشت، دختر کوچک امام حسین علیه السلام می پرسید: ذوالجناح! آیا به پدرم آب دادند یا با لب تشنه او را به شهادت رساندند؟ السلام علیک یا ابا عبد الله...

ص: ۵۳



کره زمین با همه بزرگی در مقابل دیگر مخلوقات خدا یکی از آفریده های کوچک خدا محسوب می شود؛ مثلاً خورشید یک میلیون و سیصد و نود و هفت هزار برابر زمین است، از طرفی حرارت خورشید ۱۵ میلیون درجه سانتی گراد است که این مقدار حرارت در حجمی مثل خورشید، مانند آن است که در هر ثانیه ۱۵۰ میلیون تن بمب اتم هیدروژنی در خورشید منفجر شود؛ یک کیلوگرم این بمب اتم برای نابودی زمین کافیت، ولی باز همین خورشید هم مخلوق کوچک خداست.

خورشید یکی از کوچک ترین و کم حرارت ترین ستاره های خداست. دانشمندان می گویند: فقط در کهکشان راه شیری

۲۰۰

ص: ۵۵

الی ۳۰۰ میلیارد ستاره وجود دارد که اکثر قریب به اتفاق آن ها از خورشید بزرگترند، آیت الله جوادی آملی در کتاب هیئت و نجوم می فرماید: خورشید در برابر برخی از ستاره ها مثل یک نخود است در برابر کوه دماوند.

البته این ۳۰۰ میلیارد ستاره غول پیکر فقط کهکشان راه شیری را تشکیل داده اند. ببینید همین یک کهکشان چقدر بزرگ است که ۳۰۰ میلیارد ستاره را در خودش جای داده، آن قدر بزرگ که خورشیدی که با سرعت ۲۲۰ کیلومتر در ثانیه (۷۹۲ هزار کیلومتر در ساعت) در حال حرکت دور کهکشان است، ۲۵۰ میلیون سال طول می کشد تا یک دور، دور کهکشان بزند. با همه این اوصاف کهکشان ما هم جزء مخلوقات کوچک خداست.

تاکنون بالغ بر ۱۲۰ هزار میلیارد کهکشان کشف شده که راه شیری جزء کوچک ترین آن هاست؛ البته آنچه کشف کرده اند، ذره ای از آفریده های خداست. (۱)

تمام آنچه کشف کرده اند و آنچه که کشف نکرده اند و به دنبال کشف آن هستند، فقط آسمان اول است ... از اینجا به بعد از عقل ناقص بشر خارج است؛ باید پای سخنان امام صادق علیه السلام نشست. حضرت می فرماید: آسمان اول نسبت به آسمان دوم مثل یک حلقه انگشتری است در وسط یک بیابان وسیع؛ و آسمان دوم و اول نسبت به آسمان سوم مثل یک حلقه انگشتری است در وسط

ص: ۵۶

---

۱- . آمار بر گرفته از کتاب نجوم به زبان ساده، نویسنده: مایر دگانی، مترجم: محمدرضا خواجه پور.



یک بیابان وسیع؛ همین طور تا آسمان هفتم... (۱).

انسان وقتی عظمت و بزرگی این عالم را می بیند و درباره اش می اندیشد (۲)، به این باور می رسد که آفریننده ای قادر و توانا بر این عالم حاکم است و دست قدرت او این جهان را مدیریت می کند. هر چه انسان در این زمینه بیشتر تفکر کند، ایمانش بیشتر می شود، و ایمان به قدرت الهی ثمرات زیادی برای انسان به دنبال دارد.

## اقناع اندیشه

قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

«لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَهُ قَانِتُونَ \* بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.» (بقره/ آیات ۱۱۶ و ۱۱۷)

در چند فراز این دو آیه قدرت الهی به خوبی بیان می شود:

«لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛ آسمان ها و زمین برای اوست.

«كُلُّ لَهُ قَانِتُونَ»؛ همه برای او متواضع و فرمان بردار هستند.

«بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛ پدید آورنده آسمان ها و زمین اوست.

ص: ۵۷

---

۱- . تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۶۴، ... ان هذه الأرض بمن عليها عند الذي تحتها كحلقة ملحقاته في فلاة قى و هاتان بمن فيهما و من عليهما عند الذي تحتها كحلقة ملحقاته في فلاة و الثالثة حتى انتهى الى السابعة و تلا هذه الاية خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ ... .

۲- . عن ابى عبدالله عليه السلام: تفكر ساعه خير من عباده سنه. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۶۸، ص ۳۲۷.

«إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»؛ هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، می گوید: موجود باش! و آن فوراً موجود می شود.

جمله "کن"، جمله ای نیست که خداوند به صورت لفظ بیان کند، چرا که نه او لفظی دارد و نه نیازمند به الفاظ است، بلکه منظور همان تعلق اراده او به ایجاد و ابداع چیزی است، و تعبیر به کلمه "کن" به خاطر آن است که از این تعبیر کوتاه تر و کوچک تر و سریع تر تصور نمی شود.

به تعبیر روشن تر، در افعال خداوند دو مرحله بیشتر وجود ندارد: مرحله اراده، و مرحله ایجاد، که در آیه فوق از مرحله دوم به عنوان امر و قول و جمله "کن" تعبیر شده است.

چه زیبا می فرماید امیر مؤمنان علی علیه السلام:

«يقول لما اراد كونه كن فيكون لا بصوت يقرع، و لا بنداء يسمع و انما كلامه سبحانه فعل منه انشاء.»<sup>(۱)</sup>

او هر چه را اراده کند، به آن می گوید: باش! آن بلا-درنگ موجود می شود، اما کلام او نه صوتی است که در گوش ها نشیند، نه فریادی است که شنیده شود، بلکه سخن خدا همان فعل او است که ایجاد می کند.<sup>(۲)</sup>

ایمان به قدرت الهی یعنی اعتقاد به اینکه من و تو هیچ کاره ایم، و اگر قرار باشد کاری انجام شود، همه عالم هم که جمع شوند، نمی توانند مانع آن شوند:

ص: ۵۸

---

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۶.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۴۹۶، ذیل آیه ۸۲ سوره یس.

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ

أَمْرًا سَلَبَ الْعِبَادَ عُقُولَهُمْ فَأَنْفَذَ أَمْرَهُ وَتَمَّتْ إِرَادَتُهُ

فَإِذَا أَنْفَذَ أَمْرَهُ رَدَّ إِلَى كُلِّ ذِي عَقْلٍ عَقْلَهُ فَيَقُولُ كَيْفَ

ذَا وَمِنْ أَيْنَ ذَا» (۱)

آنگاه که خدا خواهد کاری صورت پذیرد، عقل بندگان را

برباید تا فرمانش اجرا شود و اراده اش انجام گیرد و پس از پایان کار عقل خردمندان

را باز گرداند تا گویند: این حادثه چگونه و از کجا آمد؟ (۲)

مهمترین اثر ایمان به قدرت الهی، توکل است، چون

انسان متوجه می شود که با تکیه به قدرت الهی می تواند هر کاری را انجام دهد.

### پرورش احساس

توکل کلید حل مشکلات امروز ماست؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی به ابوذر فرمود: من آیه ای را می شناسم که اگر همه مردم با همه مشکلاتشان به آن آیه چنگ بزنند، برای حل مشکلاتشان کافیت؛ «إِنِّي لَأَعْلَمُ آيَةً لَوْ أَخَذَ بِهَا النَّاسُ لَكَفَتْهُمْ». سپس ایشان آیه سوم سوره طلاق را قرائت فرمود:

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (۳)

امام خمینی رضوان الله تعالی علیه هم با ایمان به قدرت الهی و توکلی که به خدای متعال داشت توانست در برابر ابرقدرت های شرق و غرب بایستد.

ص: ۵۹

۱- . تحف العقول، ص ۴۴۹ و بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۳۶.

۲- . تحف العقول، ترجمه جنتی، متن، ص ۷۰۷.

۳- . تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۴۸ و مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۰۶.

حضرت امام رضوان الله تعالى عليه حتی در کارهای کوچک به خدا توکل می کرد؛ مثلا در خانه خریدن:

این خانه ای که حضرت امام در قم، چهار راه بیمارستان (یخچال قاضی)، دارند، خانه ای است که در آن مستأجر بودند و با آقا مصطفی در آنجا زندگی می کردند. آقا مصطفی هم ظاهرا متأهل بودند. یکبار صاحبخانه حضرت امام به ایشان می گوید: می خواهیم خانه را بفروشیم؛ یا شما بخرید یا بلند بشوید. امام می فرماید چقدر فرصت دارم؟ آن آقا می گوید: یک هفته. خیلی سخت است که آدم در یک هفته خانه اش را جا به جا کند؛ ولی امام می فرماید باشد؛ حالا ببینیم خدا چه می خواهد.

آن آقا گفته بوده مثلا دوازده هزار تومان پول این خانه می شود. شب جمعه بعدش کاروانیانی که می خواستند بروند عتبات، آمدند پیش امام و گفتند که ما می خواهیم پولمان را پیش شما امانت بگذاریم. به بانک و دولت و این ها اطمینان نداریم. امام می فرماید که من امانت قبول نمی کنم. اصرار می کنند تا این که امام می فرماید: من از شما قرض می گیرم که در آن تصرف بکنم. آن ها دقیقا همان ۱۲ هزار تومان را به ایشان قرض دادند. فردا صاحب خانه می آید و امام پول را می گذارد جلوی صاحب خانه و می فرماید: این خانه مال ما تا ببینیم خدا چه می خواهد. امام درسش را ادامه می دهد و مشغول کتاب و درس خودش می شود.

هفته بعد، شب جمعه کاروانی ها برمی گردند. امام می فرماید: شما بنا بود چند ماهی سفرتان طول بکشد! نماینده شان می گوید:

ص: ۶۰

آقا! سفر از قصر شیرین به هم خورد و مجبور شدیم برگردیم. اگر می شود آن پول را مرحمت کنید. امام می فرمایند که پول قرض است و برای قرض هم باید مهلت بدهید؛ تا کی مهلت می دهید؟ می گویند یک هفته. امام می فرمایند باشد؛ بینیم چه می شود، و به درسشان ادامه می دهند.

معلوم است که دل امام تکان نخورده. تا شب جمعه هفته بعد اتفاقی نمی افتد، اما صبح زود برادر حضرت امام (آقای پسندیده) نزد امام می آیند. امام به ایشان می فرمایند: اینجا چه کار می کنید؟ شما که اراک بودید! آقای پسندیده هم مدام عذرخواهی می کنند و می گویند:

بیخشید که بدون اطلاع شما اقدام کردیم... امام می پرسند: حالا چه شده مگر؟ می گوید: املاک پدری را فروختیم و سهم شما را آوردیم. حالا سهم امام چقدر می شود؟ دوازده هزار تومان. امام هم می فرمایند: خیلی ممنون؛ بگذارید این جا. آن کاروانیان هم می آیند و آقا پول را به آن ها می دهد. امام هنوز از جایش تکان نخورده، صاحب یک خانه بزرگ هم شده که هنوز در قم جزء خانه های خوب محسوب می شود. (۱)

امام رضا علیه السلام فرمودند:

«مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ سَيْئِلَ عَنْ حَيْدِ التَّوَكُّلِ يَا هَيْوَةَ قَالِ لِمَا تَخَافُ سِوَاهُ وَ أَرَوِي أَنَّ الْغِنَى وَ الْعِزَّ يَجُولَانِ فَإِذَا ظَفِرَا بِمَوْضِعِ التَّوَكُّلِ أَوْطَنَا.» (۲)

ص: ۶۱

۱- به نقل از حجه الاسلام پناهیان.

۲- الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۵۸.

اگر می‌خواهی قوی‌ترین مردم باشی، پس باید توکل بر خدا باشد و سؤال شد از حد توکل که تا کجاست؟ فرمودند: حد توکل آنست که از غیر خدا نترسی، سپس حضرت فرمودند: بی‌نیازی و عزت در گردشند و هنگامی که به موضع توکل می‌رسند، مستقر می‌شوند.

## رفتار سازی

خیلی‌ها فکر می‌کنند توکل یعنی دست روی دست گذاشتن و منتظر روزی خدا نشستن، در واقع این عده تنبلی خود را با توکل توجیه می‌کنند.

آقا رسول خدا صلی الله علیه و آله گروه بی‌کاری را دیدند، سؤال کردند شما چه کاره اید و حرفه شما چیست؟ عرض کردند: ما توکل‌کنندگانیم، حضرت فرمود: شما سربار جامعه اید ... (۱).

شرط اساسی عمل به وظیفه است، ما باید به وظیفه خود عمل کنیم، اما امیدمان فقط به خدا باشد و به بهانه توکل تنبلی نکنیم.

تا وضع ما مثل شتربان پیامبر صلی الله علیه و آله نشود که توکل کرد و اسباب ظاهری را رعایت نکرد و شتر را بدون اینکه ببندد رها کرد؛ شتر گم شد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: نباید وقتی توکل می‌کنی، اسباب را رعایت نکنی؛ مثلاً نباید پای شتر را نبسته، توکل کنی. (۲).

ص: ۶۲

---

۱- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، ص ۲۱۷: رَأَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَوْمًا لَا يَزْرَعُونَ قَالَ مَا أَنْتُمْ قَالُوا نَحْنُ الْمُتَوَكِّلُونَ قَالَ لَا بَلْ أَنْتُمْ الْمُتَكَلِّفُونَ.

۲- هدایت در حکایت - مثنوی معنوی دفتر اول.

کسی که توکل می کند ولو ظاهرا امور بر وفق مراد او نچرخد، در نهایت عالم در خدمت او قرار خواهد گرفت؛ مانند ابا عبد الله الحسین علیه السلام که در ظاهر عزیزانش را شهید کردند و به اسارت بردند، اما در نهایت اوست که عالم همه دیوانه اوست! سخت بود قربانی کردن عزیزان؛ مخصوصا فدا شدن طفل شش ماهه روی دستان حضرت. از سوز جگر فرمود: «هَوَّنَ عَلَيَّ مَا نَزَلَ بِي أَنَّهُ بَعَيْنِ اللَّهِ» (۱)

ص: ۶۳

---

۱- بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۴۵، ص ۴۶.





هنگامی که حضرت موسی علیه السلام از طرف خداوند، برای رفتن به سوی فرعون و دعوت او به خداپرستی مأمور گردید، او (که احساس خطر می کرد) به فکر خانواده و بچه های خود افتاد، و به خدا عرض کرد: پروردگارا چه کسی خانواده و بچه های مرا سرپرستی می کند؟!

خداوند به او فرمان داد: عصای خود را بر سنگ بزن.

موسی علیه السلام عصایش را بر سنگ زد، آن سنگ شکست؛ از درون آن، سنگ دیگری نمایان شد؛ با عصای خود یک ضربه دیگر بر آن سنگ زد، آن نیز شکسته شد و در درونش سنگ دیگری پیدا گردید؛ موسی علیه السلام ضربه دیگری با عصای خود بر سنگ سوم زد، و آن سنگ نیز شکسته شد؛ او در درون آن سنگ، کرمی را دید که

چیزی به دهان گرفته و آن را می خورد.

پرده های حجاب از گوش موسی علیه السلام کنار رفت و شنید آن کرم می گوید:

«سبحان من يراني و يسمع كلامي و يعرف مكاني و يذكرني و لا ينساني.»

پاک و منزه است خداوندی که مرا می بیند، و سخن مرا می شنود، و به جایگاه من آگاه است، و به یاد من هست و مرا فراموش نمی کند.<sup>(۱)</sup>

## اقناع اندیشه

اگر خدای متعال روزی کرمی که در دل یک سنگ قرار دارد را متکفل شده است، آیا امکان دارد که از روزی ما انسان ها غافل باشد؟!

خداوند متعال در قرآن کریم در ۱۰۹ آیه از واژه «رزق» استفاده کرده است و در ۱۰۱ آیه «رزق» را به خود نسبت داده و بطور مستقیم یا غیر مستقیم خود را رزاق عالمیان

معرفی کرده است. یکی از بارزترین این آیات، آیه ۶ سوره مبارکه هود است، می فرماید:

«وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا.»

هیچ جنبنده ای در زمین نیست، مگر اینکه روزی او بر خداست!

جالب است بدانید که در تفسیر نمونه آمده است: "رزق" به معنی عطاء و بخشش مستمر است، و از آن جا که روزی الهی عطای مستمر او به موجودات است به آن رزق گفته می شود.<sup>(۲)</sup>

ص: ۶۶

---

۱- تفسیر روح البیان، حقی بروسوی اسماعیل، ج ۴، ص ۹۶ تا ۹۷.

۲- تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۱۶.

وقتی خدای متعال بیش از صد بار خود را رزاق و روزی دهنده مخلوقاتش معرفی کرده است، شایسته نیست انسان نگران روزی خود بوده و گمان بد به خدای متعال داشته باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«حَصَلَتَانِ لَا تَجْتَمِعَانِ فِي مُؤْمِنٍ الْبُخْلُ وَ سُوءُ الظَّنِّ بِالرِّزْقِ» (۱)

دو خصلت در مؤمن جمع نمی شود: بخل و سوء ظن به رزق و روزی.

حسن ظن به رزاقیت الهی در زندگی اهل بیت علیهم السلام بسیار بارز بود. وقتی یکی از اصحاب امام سجاد علیه السلام با نگرانی از گرانی در بازار سخن می گوید، امام می فرمایند: اگر اجناس گران شود روزی من به عهده خداست و اگر ارزان هم بشود باز روزی من دست خداست. (۲)

البته این به آن معنا نیست که دیگر کسی کار و تلاش نکند به این بهانه که روزی مشخص و مقدر است، بلکه روزی همراه با کار و تلاش بدست می آید؛ حتی اهل بیت علیهم السلام هم که همه هستی تحت امر آن ها بود، جهت کسب روزی تلاش می کردند. روزی امام صادق علیه السلام جامه زبر کارگری بر تن و بیل در دست داشت و در بوستان خویش سرگرم بود. چنان فعالیت کرده بود که سرپایش را عرق گرفته بود.

در این حال ابو عمرو شیبانی وارد شد و امام را در آن تعب و رنج مشاهده کرد. پیش خود گفت: شاید علت اینکه امام شخصا

ص: ۶۷

---

۱- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۴، ص ۱۷۲.

۲- الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۵، ص ۸۱.

بیل به دست گرفته و متصدی این کار شده، این است که کس دیگری نبوده و از روی ناچاری خودش دست به کار شده. جلو آمد و عرض کرد: «این بیل را به من

بدهید، من انجام می دهم.»

امام فرمود:

«إِنِّي أُحِبُّ أَنْ يَتَأَذَى الرَّجُلُ بِحَرِّ الشَّمْسِ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ.»

نه، من دوست دارم که مرد برای تحصیل روزی رنج بکشد و آفتاب بخورد. (۱)

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که ایشان رزق را منوط به طلب می کنند و می فرمایند:

«اطْلُبُوا الرِّزْقَ فَإِنَّهُ مَضْمُونٌ لِطَالِبِهِ.» (۲)

و خداوند متعال در آیه ۱۵ سوره مبارکه ملک می فرماید:

«هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ.»

او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه های آن راه بروید و از روزی های خداوند بخورید و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست.

تفسیر نمونه ذیل این آیه ذکر می کند:

این آیه اشاره ای است به اینکه تا گامی بردارید و تلاشی نکنید، بهره ای از روزی های زمین نخواهید داشت! (۳)

اگر نسبت به وظیفه خود در تلاش برای کسب روزی

ص: ۶۸

---

۱- . الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۵، ص ۷۶.

۲- [۶]. الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۳۰۳.

۳- . تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۳۸.

کوتاهی نکنیم، روزی ما حتماً به ما خواهد رسید. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

سرعت رسیدن روزی از سرعت رسیدن اجل به سمت صاحبش بیشتر است:

«إِنَّ الرِّزْقَ لَيُطَالِبُ الْعَبْدَ أَكْثَرَ مِمَّا يَطْلُبُهُ أَجَلُهُ.» (۱)

آن یکی زاهد شنود از مصطفی که یقین آید به جان رزق از خدا گر بخواهی و ر نخواستی رزق تو پیش تو آید دوان از عشق تو (۲)

البته باید دانست که روزی غیر از ثروتی است که در دست ماست. ثروت آن چیزی است که ما کسب می کنیم، ولی رزق و روزی آن چیزی است که از آن بهره می بریم؛ به عبارت دیگر، مقداری از ثروت که ما از آن بهره می بریم، رزق ماست. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ذیل آیه ۲۷ سوره مبارکه آل عمران می فرماید:

مطلبی که در اینجا واجب است بدانیم این است که رزق به معنای چیزی است که مورد انتفاع مرزوق قرار بگیرد. قهرا آن مقداری رزق است که مورد انتفاع واقع شود، پس اگر کسی مال بسیاری جمع کرده، که به غیر از اندکی از آن را نمی خورد، در حقیقت رزقش همان مقداری است که می خورد، بقیه آن رزق او نیست، مگر از این جهت که بخواهد به کسی بدهد، که از این

ص: ۶۹

---

۱- نهج الفصاحه، ص ۲۸۰.

۲- مثنوی معنوی مولوی، دفتر پنجم، ص ۸۳۸.

جهت رزق است و از جهت خوردن رزق نیست. پس وسعت روزی و تنگی آن ربطی به زیادی مال و اندکی آن ندارد. (۱)

## پرورش احساس

نباید نسبت به این نکته مهم غافل بود که شکر نسبت به داشته ها یک وظیفه دائمی است. همچنان که بیان شد، اعطاء رزق از سوی خداوند یک عمل همیشگی است و البته موجب برکت در روزی می شود. مسمع نقل می کند:

ما در سرزمین منی محضر امام صادق علیه السلام بودیم و مقداری انگور که در اختیار ما بود، می خوردیم. گدایی آمد و از امام کمک خواست. امام دستور داد یک خوشه انگور به او بدهند!

گدا گفت: احتیاج به انگور ندارم، اگر پول هست بدهید!

امام فرمود: خداوند به تو وسعت دهد. گدا رفت و امام چیزی به او نداد. گدا پس از چند قدم که رفته بود پشیمان شد و برگشت و گفت:

پس همان خوشه انگور را بدهید! امام دیگر آن خوشه را هم به او نداد.

گدای دیگری آمد. امام سه دانه انگور به ایشان داد. گدا گرفت و گفت:

سپاس آفریدگار جهانیان را که به من روزی مرحمت کرد! خواست برود، امام فرمود:

ص: ۷۰

بایست! (برای تشویق وی) دو دست را پراز انگور نمود و به او داد.

گدا گرفت و گفت: شکر خدای جهانیان را که به من روزی عطا فرمود.

امام باز خوشش آمد، فرمود: بایست و نرو!

آنگاه از غلام پرسید: چقدر پول داری؟

غلام: تقریباً بیست درهم.

فرمود: آن‌ها را نیز به این فقیر بده!

سائل گرفت. باز زبان به سپاسگزاری گشود و گفت:

خدایا! تو را شکر گزارم، پروردگارا این نعمت از تو است و تو یکتا و بی‌همتایی. خواست برود، امام فرمود: نرو!

سپس پیراهن خود را از تن بیرون آورد و به فقیر داد و فرمود: بپوش!

گدا پوشید و گفت: خدا را سپاسگزارم که به من لباس داد و پوشانید.

سپس رو به امام کرد و گفت: خداوند به شما جزای خیر بدهد.

جز این دعا چیزی نگفت و برگشت و رفت.

راوی می‌گوید: ما گمان کردیم که اگر این دفعه نیز به شکر

و سپاسگزاری خدا می‌پرداخت و امام را دعا نمی‌کرد، حضرت چیزی به او

عنایت می‌کرد و همچنان کمک ادامه می‌یافت، ولی چون گدا لحن خود را عوض کرد و به جای

شکر خدا، امام را دعا نمود، به این جهت کمک

ادامه پیدا نکرد و حضرت احسانش را قطع نمود. (۱)

ص: ۷۱

البته برخی به دلیل داشتن نگاه مادی، برای افزایش روزی خود به هر دری می زنند و سراغ کسب حرام نیز می روند، غافل از اینکه کسب حرام انسان را بدبخت و بدعاقبت می کند و باعث می شود که هیچ عمل خیری از او پذیرفته نشود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«مَنْ اِكْتَسَبَ مَالًا حَرَامًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ صَدَقَةً وَ لَا عِتْقًا وَ لَا حَجًّا وَ لَا اِعْتِمَارًا وَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِعَدَدِ اُجْزَاءِ ذَلِكَ اَوْزَارًا وَ مَا بَقِيَ مِنْهُ بَعْدَ مَوْتِهِ كَانَ زَادَةً اِلَى النَّارِ» (۱)

هر کس مالی حرام کسب کند، خدا نه صدقه او را می پذیرد و نه بنده آزاد کردن و نه حج گزاردن و نه عمره گزاردن او را، و به اندازه پاداش این اعمال برای او گناهانی سنگین می نویسد؛ و آنچه از وی پس از مرگش بر جای بماند، توشه راه جهنم او خواهد بود.

علاوه بر این، مال حرام در مسیر تربیتی خانواده تأثیر مستقیم دارد و اگر تربیت دینی فرزند در بهترین وضعیت هم انجام بگیرد ولی لقمه حرام وارد زندگی او شده باشد، تربیت بی اثر خواهد شد؛ تا جایی که ممکن است یک مسلمان مقابل امام خود بایستد. امام حسین علیه السلام دلیل اینکه مردم روز عاشورا مقابل ایشان ایستادند، همین عامل معرفی می کند. حضرت می فرماید:

«فَمَنْ اطَاعَنِي كَانَ مِنَ الْمُرْشِدِينَ وَ مَنْ عَصَانِي كَانَ مِنَ الْمُهْلِكِينَ وَ كُلُّكُمْ عَاصٍ لِأَمْرِي غَيْرُ مُسْتَمِعٍ قَوْلِي فَقَدْ مُلِئْتُ بِطُونِكُمْ مِنَ الْحَرَامِ» (۲)

ص: ۷۲

۱- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص ۱۷.

۲- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۵، ص ۸.



کسی که از من اطاعت کند هدایت می شود و کسی که نافرمانی نماید هلاک خواهد شد. شما عموماً امر مرا اطاعت نمی کنید، گوش به سخن من نمی دهید، زیرا شکم های شما از حرام پر شده است.

## روضه

لحظاتی در میدان ایستاد تا استراحت کند. ملعونی سنگی به طرف ایشان پرتاب کرد. سنگ به پیشانی مبارکش خورد. خون بر صورتش جاری شد. پیراهن عربی را بلند کرد تا خون را از صورت کنار بزند. تیر سه شعبه زهرآلوده امان نداد و بر قلب نازنین آقا نشست.

صدا زد: بسم الله و بالله و علی مَّله رسول الله. خدا! تو شاهد باش هیچ پسر دختر پیامبری غیر از من در روی زمین نیست، اما این مردم رحم نکردند؛ یکی با شمشیر بر فرق مبارکش زد، دیگری با نیزه به پهلو نازنین عزیز زهرا زد. چه اتفاقی افتاد؟ بگذار

این را از مقتل بگویم، نوشته اند:

«فَسَقَطَ الْحُسَيْنُ عَنِ الْاَرْضِ عَلَى خَدَّ الْاَيْمَنِ.»

هوا ز جور مخالف چو قیرگون گردید

عزیز فاطمه از اسب سرنگون گردید



انگیزه سازی

خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم، ۱۰۶ بار خود را با صفت علیم معرفی کرده است؛ از این مقدار ۱۶ بار فرموده است (بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ) یعنی همه چیز را می داند. معنای این عبارت قرآنی را امیر المؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه به خوبی بیان می کند و علم خدا را به زیبایی توصیف می نماید و می فرماید:

خداوند از اسرار نهران مردم؛

از پنهان سخن گفتن راز گویان؛

از آنچه در خاطرشان به سبب گمان خطور می کند؛

از نگاه های خیانت آلود چشم که به صورت مخفی انجام می گیرد؛

ص: ۷۵

به آنچه در نهان دل هاست و به مطالبی که گوش‌ها مخفیانه می‌شنوند، آگاه است.

خداوند به درون لانه‌های تابستانی موران، و مراکز زمستانی حشرات؛

و محل رویدن و رشد میوه‌ها که در غلاف پرده‌های شکوفه هاست؛

و به نهانگاه پشه‌ها در لابلای ساقه‌های درختان و پوست آن‌ها؛

و جای رویدن برگ‌ها از شاخه‌ها آگاه است.

و ریزش باران از ابرهای انبوه؛

و بر فرو رفتن و حرکت حشرات در ریگستان‌ها؛

و به جایگاه پرندگان بر قله‌های بلند کوه‌ها،

و به آنچه تاریکی شب آن را پوشانده، یا خورشید بر آن تابیده، آگاه است.

به اثر هر قدمی، و صدای هر حرکتی، و آوای هر سخنی، و حرکت هر لبی، و جایگاه هر جاننداری، و وزن هر ذره‌ای، و همه‌ها صاحب نفسی و آنچه از میوه درختان بر زمین افتاده، یا بر گهایی که روی زمین ریخته، آگاه است.

در این آگاهی هیچ مشقتی به او نرسد، و در حفظ آنچه آفریده هیچ مانعی بر سر راه او قرار نگیرد، و در اجرای امور و تدبیر وضع مخلوقات، هیچ ملالت و سستی به او دست ندهد، بلکه آگاهی بر همه آن‌ها نافذ است. (۱)

ص: ۷۶

خداوند در قرآن کریم نقل می کند که لقمان درباره علم الهی به فرزندش اینگونه می گوید:

«يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ.»

پسرم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کار نیک یا بد) باشد، و در دل سنگی یا در (گوشه ای از) آسمان ها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می آورد. خداوند دقیق و آگاه است!

"خردل" گیاهی است که دارای دانه های سیاه بسیار کوچکی است که در کوچکی و حقارت ضرب المثل می باشد. اشاره به اینکه اعمال نیک و بد هر قدر کوچک و کم ارزش، و هر قدر مخفی و پنهان باشد، همانند خردلی که در درون سنگی در اعماق زمین، یا در گوشه ای از آسمان ها مخفی باشد، خداوند لطیف و خبیر که از تمام موجودات کوچک و بزرگ و صغیر و کبیر در

سراسر عالم هستی آگاه است، آن را برای حساب و پاداش و کیفر حاضر می کند، و چیزی در این دستگاه گم نمی شود!

## پرورش احساس

ابن مسکان از امام صادق علیه السلام روایت می کند که علی علیه السلام فرمودند: هر بنده ای چهل پوشش دارد تا آن گاه که چهل گناه کبیره انجام دهد، و هر گاه چهل گناه انجام داد، همه پرده ها کنار می روند. در این هنگام فرشتگان حافظ او می گویند بار خدایا اینک بنده ات

همه پرده هایش بالا- رفت و اکنون چیزی نیست آن را بپوشاند، خداوند به آن ها دستور می دهد: بنده مرا با بال های خود بپوشانید.

فرشتگان او را با بال های خود می پوشانند و او باز هر کار زشتی می کند؛ کارش به جایی می رسد که اعمال زشت خود را به رخ مردم می کشد، بار دیگر فرشتگان می گویند: بار خدایا این بنده ات هر کار بدی را مرتکب می گردد، و ما از کارهای او شرم داریم؛ در این جا خداوند امر می کند: بال های خود را از او بردارید و او بعد از این به دشمنی ما اهل بیت مشغول می گردد، و بعد پرده های او را در آسمان بر می دارند، ولی در زمین همچنان مستور است؛ فرشتگان می گویند:

بار خدایا این بنده ات بی پرده مانده است، خداوند می فرماید: اگر من به او حاجتی داشتم، به شما نمی گفتم بال های خود را از آن بردارید. (۱)

پوشیده بودن گناهان بندگان و اسرار آن ها، از جمله اموری است که نزد خدای متعال خیلی اهمیت دارد، چون ستار العیوب است و دوست می دارد که بندگان نیز همین اخلاق و صفت پسندیده را داشته باشند و اسرار یکدیگر را فاش نکنند.

خوشا به حال کسانی که سعی می کنند این صفات الهی را در خودشان پررنگ کنند.

امام رضا علیه السلام در روایتی زیبا می فرماید: «لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ فَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ فَكِتْمَانُ سِرِّهِ

ص: ۷۸

---

۱- ایمان و کفر؛ ترجمه کتاب الایمان و الکفر بحار الأنوار ج ۶۴، ترجمه عطاردی، ج ۲، ص ۶۴۹.

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - عَالِمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ. (۱)

مؤمن، مؤمن نباشد تا سه خصلت داشته باشد: یک خصلت از پروردگار خودش، و یک خصلت از پیغمبرش، و یک خصلت از امامش، اما خصلتی که از پروردگار او است، راز نگهداری است، خدای عزوجل در سوره جن آیه ۲۵ می فرماید:

غیب دانست و بر غیب خود احدی را مطلع نساخت، جز رسولی را که بپسندد.

به همین جهت است که خداوند غیبت را نهی می کند و دوست ندارد اسرار مردم برای یکدیگر فاش شود و مجازات سنگینی برای آن در نظر گرفته است. خدای تبارک و تعالی با علم گسترده اش و اطلاع از همه کارهای خوب و بد بندگانش باز اکره دارد که کسی از بدی بنده اش مطلع شود. اگر می خواهیم آبرویمان حفظ شود، آبروی دیگران را نبریم که اگر خداوند متعال آبرویمان را بریزد، نزدیکان هم جواب سلام ما را نمی دهند.

عبد العظیم حسنی در حدیثی از امام رضا علیه السلام می گوید: به حضرت عرض کردم: مرا نصیحتی کن! فرمود: پدرم از جدم از پدرانش روایت کردند که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «لَوْ تَكَاشَفْتُمْ مَا تَدَافَنْتُمْ؛ اگر به راز هم آگاه می شدید همدیگر را به خاک نمی سپردید.» (۲)

مستور بودن عیوب مردم آنقدر مهم است و فاش شدن راز آنقدر برای هر کسی سنگین است که نه تنها اسرار بندگان خدا باید بین

ص: ۷۹

۱- . الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۲، ص ۲۴۲.

۲- . الأمالی (للصدوق)، النص، ص ۴۴۶.

هم پوشیده بماند؛ بلکه ما پوشیده بودن اسرار و عیوبمان را از عالم تکوین هم از خداوند تبارک و تعالی طلب می کنیم.

در دعای بعد از زیارت امام رضا علیه السلام از خدا می خواهیم:

«سَيِّدِي لَوْ عَلِمْتَ الْأَرْضُ بِدُنُوبِي لَسَاخَتْ بِي أَوْ الْجِبَالُ لَهَدَّتْنِي أَوْ السَّمَاوَاتُ لَأَخْطَفْتَنِي أَوْ الْبَحَارُ لَأَغْرَقْتَنِي.» (۱)

ای خدای من! اگر زمین گناهان من را می دانست، مرا فرو می خورد؛ و اگر کوه ها آگاه می شدند، مرا در هم می شکستند؛ اگر آسمان ها مطلع می شدند، مرا می بردند؛ و اگر دریاها مطلع می شدند، مرا در خود غرق می کردند. پس همانطور که ما دوست نداریم کسی عیوب ما را بداند، ما هم باید اسرار دیگران را حفظ کنیم و نخواهیم بنده ای رسوا شود، هر چند گناه کار باشد.

باید بدانیم ستار العیوب بودن و حلم خدای سبحان به ما فرصت می دهد تا از گناهانمان توبه کنیم و از بدی ما زود به خشم نمی آید، اما نا گفته نماند که ستار العیوب بودن خدا هم تا جایی است که بنده از حد نگذراند.

هر چه داری در دل از مکر و رموز

پیش ما پیدا بود مانند روز

که پوشیمش ز بنده پروری

تو چرا رسوائی از حد می بری؟

ص: ۸۰

---

۱- . مفاتیح الجنان، دعای بعد از زیارت امام رضا علیه السلام و بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۹، ص ۵۶.



لطف حق با تو مداراها کند

چون که از حد بگذرد رسوا کند(۱)

## رفتار سازی

چه خوبست انسان بر این باور باشد که خدا او را در خلوت و جلوت می بیند، آنوقت می تواند خود را حفظ نماید. در روایت است که شخصی نزد امام حسین علیه السلام آمد و عرض کرد: من شخص گنه کاری هستم و نمی توانم در مقابل معصیت صبر کنم، مرا موعظه ای بفرمایید.

حضرت فرمودند:

پنج کار را انجام بده و بعد هر گناهی را که خواستی مرتکب شو؛

۱. روزی خدا را نخور، هر گناهی را که خواستی انجام بده؛

۲. از ولایت خدا خارج شو، هر گناهی را که خواستی انجام بده؛

۳. موقع گناه جایی برو که خدا تو را نبیند، بعد هر گناهی که خواستی انجام بده؛

۴. موقع مرگ جانت را به ملک الموت نده، هر گناهی خواستی انجام بده؛

۵. هنگامی که خواستند تو را در آتش بیندازند داخل نشو، هر گناهی خواستی انجام بده.(۲)

ص: ۸۱

۱- مولوی.

۲- رَوَى أَنَّ الْخُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِيَاءَهُ رَجِيْلٌ وَقَالَ أَنَا رَجُلٌ عَاصٍ وَ لَا أَصْبِرُ عَنِ الْمَعْصِيَةِ بِهِ فِعْظُنِي بِمَوْعِظِهِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْعَلْ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ فَأَوَّلُ ذَلِكَ لَا تَأْكُلْ رِزْقَ اللَّهِ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ وَ الثَّانِي اخْرُجْ مِنْ وَلَايَةِ اللَّهِ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ وَ الثَّلَاثُ اطْلُبْ مَوْضِعًا لَمَّا يَرَاكَ اللَّهُ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ وَ الرَّابِعُ إِذَا حِيَاءَ مَلِكِ الْمَوْتِ لِيُقْبِضَ رُوحَكَ فَادْفَعُهُ عَنْ نَفْسِكَ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ وَ الْخَامِسُ إِذَا أَدْخَلَكَ مَالِكٌ فِي النَّارِ فَلَا تَدْخُلْ فِي النَّارِ وَ أَذْنِبْ مَا شِئْتَ. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۷۵، ص ۱۲۶.

در زمانی که کنی قصد گناه

گر کند کودکی از دور نگاه

شرم داری ز گنه در گذری

پرده عفت خود را مدری

شرم بادت ز خداوند جهان

که بود واقف اسرار و نهان

آهنگری با دست خود آهن را از کوره گداخته بیرون می آورد.

با اصرار علت این امر عجیب را جویا شدند. گفت: روزی زن بسیار زیبایی نزد من آمد و تقاضای کمک کرد. گفتم: اگر حاضر باشی با من به خانه ام بیایی، هر چه بخواهی به تو خواهم داد. نیاز و تنگدستی، زن را به تن دادن به خواسته ام وادار کرد. در

خانه را بستم. چون شاخه بیدی می لرزید و سیلاب اشک بر رخسارش روان بود. گفتم:

چرا اینگونه می لرزی؟ گفت: از ترس خدای عزوجل! حالت و سخنش در دلم اثر کرد. گفتم:

این اموال را بردار و برو دنبال کارت؛ من تو را به خاطر خداوند متعال رها کردم.

اندکی بعد به خواب رفتم. در خواب بانوی محترمی نزد من آمد و گفت: ای مرد! خدا از جانب ما جزای خیرت دهد. پرسیدم: شما کیستید؟ فرمود: من مادر همان زن هستم. خدا در دنیا و آخرت تو را در آتش نسوزاند! از آن بانو پرسیدم: آن زن از کدام خاندان بود؟ فرمود: از ذریه و نسل رسول خدا...

از اینجا می فهمیم که احترام سادات و فرزندان حضرت زهرا علیها السلام چقدر مهم است و دقت در این مسئله چه برکاتی دارد.

اما دل ها بسوزد برای مادر سادات. در قضیه هجوم به خانه امیر المومنین، وقتی دشمنان پشت در خانه گفتند به علی بگویید بیرون بیاید، اطرافیان گفتند: در این خانه فاطمه است، اما آن ها با قساوت قلب تمام گفتند: اگر چه فاطمه هم در خانه باشد، خانه و اهل آن را به آتش می کشیم. کار به جایی کشید که صدیقه طاهره زهرا علیها السلام صدای ناله حزینش به آسمان بلند شد:

فقلت یا أبتاه! یا رسول الله! هكذا كان يفعل بحبيبتك و ابتتك! آه! یا فضه إليك فخذيني فقد و الله قتل ما فی أحشائي. (۱)

کسی نبود به آن اشقیا بگوید:

گل بی خار کجا

در و دیوار کجا

صورت حور کجا

شعله نار کجا

بدن خسته کجا

ضربه پیوسته کجا

سوزش میخ در و

سینه بشکسته کجا

یا زهرا... الا لعنه الله على القوم الظالمين

ص: ۸۳



شهید محراب مرحوم حضرت آیه الله سید عبدالحسین دستغیب رضوان الله تعالی علیه نوشته: یک شب لوتی های محل حاجی مؤمنی که از ارادتمندان به مرحوم حاج شیخ محمد تقی مجلسی رضوان الله تعالی علیه بودند، ایشان را دوره می کنند و به او می گویند: امشب می خواهیم به خانه تو بیاییم.

حاجی از یک طرف می بیند اگر آن ها بیایند، با وسائل لهو و لعب می آیند و مشغول فسق و فجور می شوند، از طرف دیگر اگر آن ها را رد کند و جواب رد بدهد، از این به بعد مرتب برایش مزاحمت ایجاد می کنند. ناچار قبول می کند. بعد حاجی مومنی سراسیمه خدمت مرحوم مجلسی رسیده و گرفتاریش را ذکر می کند. مرحوم مجلسی رضوان الله تعالی علیه فکری

می کند و می فرماید: اشکالی ندارد. بگو بیایند، من هم می آیم.

حاجی مراسمی مهیا می کند و مرحوم مجلسی نیز زودتر از لوتی ها وارد می شود، لوتی ها تا وارد خانه شدند، دیدند مرحوم

مجلسی در خانه نشسته، ناراحت شدند و با خود گفتند: جلوی آقا که نمی شود عیش و لهو و لعب کرد؛ با بودن او هیچ کاری

نمی شود کرد. یکی از لوتی ها به نام لوتی باشی با خود گفت: بهتر است حرفی بزنند تا مرحوم مجلسی قهر کند برود و آن

وقت آن ها آزاد باشند. گفت: جناب آقا! مگر راه و روش ما لوتی ها چه عیبی دارد که به ما اعتراض می کنند؟ مرحوم

مجلسی رضوان الله تعالی علیه فرمود: چه خوبی در شما هست که آن را مدح کنیم؟ گفت: هزارها عیب داریم، اما باز نمک

شناسیم؛ اگر نمک کسی را خوردیم دیگر به او خیانت نمی کنیم و تا آخر عمرمان یادمان نمی رود. مرحوم مجلسی فرمود:

این صفت خوبی است، ولی آن را در شما نمی بینم. لوتی باشی گفت: در این اصفهان از هر کس می خواهی پرس. ببینید ما

نمک چه کسی را خورده ایم که به او بد کرده باشیم. مرحوم مجلسی فرمود: خود من گواهی می دهم که شما همه نمک به

حرامید، آیا با خدای خود چه می کنید؟ ای کسی که نمک خدا را می خوری و نمکدان می شکنی، این همه نعمت خدا را

خوردن و استفاده کردن و این جور سرکشی کردن و پیروی از نفس و هوی کردن؟

نمک خدا خوردن و نمکدان او را شکستن... این کلمات مرحوم مجلسی رضوان الله تعالی علیه که عین واقع و حقیقت بود، در

همه آن ها اثر کرد؛ سر خجلت به زیر انداختند و هیچ سخن

نگفتند؛ سکوت مطلق.

پس از مدتی همه رفتند. صبح اول وقت لوتی باشی در خانه مرحوم مجلسی رضوان الله تعالی علیه را کوید. مرحوم مجلسی در را باز کرد. دید لوتی باشی است و می گوید: دیشب ما را آتش زد! ما را آگاه کردی. ما را توبه ده، چون از کرده های خود پشیمانیم.

مرحوم مجلسی هم لطف می کند و مقدمات توبه و تدارک گذشته را برای آن ها فراهم می کند. (۱)

## اقناع اندیشه

ممکن است عده ای بگویند: آقا! مگر می شود خدا یک عمر بدی را با یک توبه ببخشد؟ این لات ها اهل چاقو کشی بودند، اهل مشروب خوری بودند، کلی فساد کردند، آن وقت با یک توبه خدا از شان بگذرد؟

خدای متعال خودش وعده داده که می بخشم. خدای متعال در سوره ی زمر آیه ۵۳ می فرماید:

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.»

بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد

[نه تنها گناهان را می بخشد] همانا او توبه کننده را دوست دارد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ اللَّهِ مِنْ مُؤْمِنٍ تَائِبٍ»

ص: ۸۷

---

۱- . قصص التوابين يا داستان توبه کنندگان، علی میرخلف زاده.

بلکه گاهی گناهانمان را تبدیل به حسنات می کند، خودش فرموده است:

«إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (فرقان/۷۰)

از رحمت خدا ناامید نشویم که ناامیدی خود از گناهان کبیره است. نگوییم: گناهمان بزرگ است و خدا نمی بخشد. توبه اگر واقعی باشد خدا توبه پذیر است؛ هر چند که گناه بزرگ باشد.

در حدیث آمده: زنی نزد نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: یا نبی الله! زنی فرزندش را به قتل رسانده است، آیا برایش توبه هست؟ حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: قسم به کسی که جانم در دست اوست! اگر او هفتاد نبی

را هم به قتل برساند و توبه کند و از کرده اش واقعا پشیمان شده باشد و خداوند هم از قلب او آگاه باشد که هرگز به

آن گناه بر نمی گردد، توبه اش را قبول کند و از او بگذرد. به درستی که راه توبه از مشرق تا مغرب باز است و کسی که از گناهی توبه کند مانند آن است که گناهی نکرده است؛ بنابراین خدای رحمان و آمرزنده گناهان بندگانش را که واقعا پشیمان باشند می آمرزد. (۲)

## پرورش احساس

خوشا به حال آن ها که توبه می کنند و به سمت خدا بر می گردند! نوجوان ۱۶ ساله ای بود از محله های پایین شهر تهران که چون پدر

ص: ۸۸

۱- . عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۹.

۲- . مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۳۱، باب ۸۷.



نداشت خیلی بد تربیت شده بود. خودش می گفت:

گناهی نبود که من انجام ندهم. تا اینکه یک نوار روضه او را متحول کرد و باعث شد توبه کند. بعد آمد جبهه.

روزی این نوجوان به فرمانده گفت: من تا به حال حرم امام رضا علیه السلام مشرف نشده ام. می ترسم شهید بشوم و حرم آقا را نبینم. ۴۸ ساعت به من مرخصی بدهید تا بروم زیارت امام رضا علیه السلام و برگردم... اجازه گرفت و رفت مشهد. دو ساعت در حرم زیارت کرد و برگشت جبهه. در وصیت نامه اش نوشته بود: در راه برگشت از حرم امام رضا علیه السلام، خواب حضرت را دیدم. آقا به من فرمود: حمید! اگر همین طور ادامه بدهی خودم می آیم و می برمت...

قبری برای خودش اطراف پادگان کنده بود. نیمه شب ها تا سحر می خوابید داخل قبر. گریه می کرد و می گفت: یا امام رضا! منتظر وعده ام... آقا جان چشم به راهم نگذار... ساعت و روز و مکان شهادتش را در وصیت نامه اش نوشته بود.

می گفت امام رضا علیه السلام به من گفته کی و کجا شهید می شوم... روز موعود خبر رسید ضد انقلاب در منطقه است و باید برویم سراغشان. فرمانده گفت: چند نفر نیرو بیشتر نمی خواهیم. همه ی بچه ها شروع کردند به التماس کردن که آقا ما را ببرید. دیدم حمید گوشه ای نشسته و نگاه می کند. از او سؤال کردند: مگر تو دوست نداری به این عملیات بروی؟ حمید خندید و گفت: شما التماس هایتان را بکنید، آن که باید مرا ببرد، خودش خواهد برد. خود فرمانده آمد و گفت: حمید تو هم بلند شو برویم...

همزمانش گفتند: وقتی وارد روستایی که ضد

انقلاب آن جا بودند، شدیم، حمید دستانش را به سمت ما بلند کرد و گفت: خداحافظ!

آن لحظه کسی نفهمید حمید چه می گوید، اما وقتی شهید شد و وصیت نامه اش را باز کردیم، دیدیم دقیقا همان روز، ساعت و مکانی شهی-د شده که در وصیت نامه اش نوشته بود. (۱)

اگر جوانمردانه توبه کنیم، خدا این طور زندگی ما را نورانی می کند. گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست؟ ما خودمان کوتاهی می کنیم.

## رفتار سازی

خدا خیلی بخشنده و مهربان است، ولی اگر کسی دنبال راهی برای سریع تر بخشیده شدن باشد، خدا در قرآن فرموده است:

«وَلْيَغْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ.» (نور / ۲۲)

بلکه باید عفو و گذشت نمایند و از آنان درگذرند. آیا دوست ندارید که خداوند شما را ببخشد؟ و خداوند آمرزنده و مهربان است.

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «تَجَاوَزُوا عَنْ ذُنُوبِ النَّاسِ يَدْفَعِ اللهُ عَنْكُمْ بِذَلِكَ عَذَابَ النَّارِ.» (۲)

از گناهان مردم درگذرید تا خداوند بدین سبب عذاب دوزخ را از

ص: ۹۰

---

۱- . خاطره ای از زندگی شهید حمید محمودی ، راوی: حاج مهدی سلحشور، هم‌رزم شهید.

۲- . مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۲۰.

شما دور گرداند.

چقدر خوب است انسان زود از خطای دیگران بگذرد که در این صورت خداوند نیز خیلی زود گناه او را خواهد بخشید.

گویند: دو دوست با پای پیاده از جاده ای در بیابان عبور می کردند. بین راه سر موضوعی اختلاف پیدا کردند و به مشاجره پرداختند. یکی از آن ها از سر خشم بر چهره دیگری سیلی زد!

دوستی که سیلی خورده بود، سخت آزرده شد، ولی بدون آن که چیزی بگوید روی شن های بیابان نوشت: امروز بهترین دوست من بر چهره ام سیلی زد.

آن دو کنار یکدیگر به راه خود ادامه دادند. به یک آبادی رسیدند. تصمیم گرفتند قدری آن جا بمانند و کنار برکه استراحت کنند. ناگهان شخصی که سیلی خورده بود، لغزید و در برکه افتاد. نزدیک بود غرق شود که دوستش به کمکش شتافت و او را نجات داد. بعد از آن که از غرق شدن نجات یافت، بر روی صخره ای سنگی این جمله را حک کرد: امروز بهترین دوستم جان مرا نجات داد.

دوستش با تعجب از او پرسید: بعد از آن که من با سیلی تو را آزردم تو آن جمله را روی شن های صحرا نوشتی، ولی حالا این جمله را روی صخره حک می کنی؟

دوست لبخندی زد و گفت: وقتی کسی ما را آزار می دهد باید روی شن های صحرا بنویسیم تا باد های بخشش آن را پاک کنند، ولی وقتی کسی محبتی در حق ما می کند، باید آن را روی سنگی حک کنیم تا هیچ بادی نتواند آن را از یادها ببرد.

ص: ۹۱

خوب است انسان خود را به صفات الهی مزین کند؛ یعنی، مثل خدا که غفار الذنوب است او هم کینه ای نباشد و سریع الرضا باشد و زود دیگران را ببخشد، مانند امام حسین علیه السلام که حرّ را با اینکه گناه بزرگی مرتکب شده بود، به راحتی بخشید.

## روضه

نقل می کنند: روز عاشورا وقتی فریاد استغاثه امام را شنید که می فرمود: *أما من مُغيثٍ يُغيثنا لوجهِ الله أما من ذابَّ يَدْبُ عن حرم رسولِ الله، دستان خود را بر سر گذاشت (به علامت ندامت و پشیمانی) و می گفت: «اللهم اليك أنبتُ فُتْبَ عَلَيَّ.»* خدایا! من

دل فرزند فاطمه علیها السلام را لرزاندم. همین که محضر امام رسید، با کمال شرمساری عرض کرد: *جُعِلْتُ فِدَاكَ، من همان کسی هستم که راه را بر تو بستم.*

هل تری لی من توبه؟ آیا توبه من پذیرفته می شود یا نه؟

فقال الحسين نعم، يتوبُ الله عليك فأنزل. از اسب پیاده شو! توبه تو قبول است.

در بعضی از روایات آمده: پس از قبولی توبه اش، از امام اجازه گرفت تا برای عذرخواهی نزد بانوان حرم برود، امام هم اجازه داد. حر نزدیک خیمه آن ها شد و با دلی شکسته و چشمی گریان عرض کرد: السلام علیکم یا اهل بیت النبوه! من همان کسی هستم که دل شما را شکستم، اما حالا پشیمانم. من همان کسی هستم که شما را ترساندم، اما از شما امید عفو دارم.

خواهشم این است: مرا ببخشید

و نزد مادرتان فاطمه زهرا علیها السلام از من شکایت نکنید.

وقتی در میدان روی زمین افتاد، خود امام بر بالین او حاضر شدند و خون از چهره اش پاک کردند. بمیرم برای آقایی که کسی نبود لحظات آخر بر بالینش بیاید، اما نه، یک نفر آمد بر بالین آقا؛ او شمر بود که سر بریده آقا را به دامن گرفت. (۱) همه صدا بزنید: غریب حسین...

ص: ۹۳

---

۱- . قصه کربلا، نظری منفرد، ص ۳۰۴ و بحارالانور، ج ۴۵، ص ۱۴ و ۱۵.



### انگیزه سازی

سلطانی بر کشوری حکومت می کرد. سلطان، مردی ستمگر بود و وجود خدا را انکار می کرد. این سلطان، وزیری داشت که معتقد به خداوند یگانه بود و بارها سعی کرده بود سلطان را متوجه خداوند یگانه سازد، اما موفق نشده بود. روزی وزیر، یکی از معماران معروف کشور را به کاخ خود دعوت کرد و به او دستور داد که در شکارگاه سلطان، قصر زیبایی بسازد و آن را با انواع گل ها و گیاهان و پرندگان زینت دهد و این کار را طوری انجام دهد که سلطان و اطرافیان وی متوجه نشوند.

چند ماه بعد، معمار خبر داد که قصر حاضر شده است. وزیر بهانه ای پیدا کرده و سلطان را به شکار برد.

در بین راه، سلطان، از دور قصری مشاهده کرد و با تعجب از وزیر پرسید: آن چیست که در شکارگاه خودنمایی می کند؟ سلطان به همراه وزیر به طرف قصر حرکت کردند. وقتی به قصر رسیدند، سلطان از

تمام قسمت های آن بازدید کرد و در حالی که از زیبایی آن به شگفت آمده بود، پرسید: این قصر چگونه وسط بیابان پیدا شده است؟

وزیر گفت: زمستان سال گذشته، سیلی آمد و مقدار زیادی گل و سنگ با خود آورد. وقتی گل و سنگ به اینجا رسیدند، گل ها به هم چسبیدند و به شکل خشت درآمدند و سپس خشت ها و سنگ ها به طور تصادفی روی هم قرار گرفته و دیوار این قصر را درست کردند.

پس، سیل دیگری آمد و مقدار زیادی از درخت های جنگل را کند و به اینجا آورد. درخت ها در اینجا به چوب تبدیل شدند و به طور اتفاقی روی دیوارها قرار گرفتند و سقف قصر را درست کردند. پس از آن سیل دیگری آمد و مقدار زیادی چوب را به هم سایید و آن ها را به شکل در و پنجره درآورد... سپس باد، گل ها و گیاهان زیبا را از دشت ها و باغ ها کنده و به اینجا آورد... و این گلستان زیبا برپا شد. سلطان که از حرف های وزیر خنده اش گرفته بود، گفت: مگر دیوانه شده ای؟ شاید مرا دیوانه می پنداری؟ تا معمار و کارگر و وسایل نباشد، غیرممکن است قصر به این زیبایی ساخته شود.

وزیر پاسخ داد: شما که می گوئید محال است چوب و سنگ با هم بسازند و چنین قصری را برافرازند، پس چگونه ممکن است که جهان آفرینش با این همه عظمت و بزرگی، خود به خود به وجود



آمده و خالقى نداشته باشد؟ چگونه ممکن است این همه گیاهان و جانوران، زمین و آسمان، سیارات و ستارگان، خورشید و ماه، کوه ها و دشت ها، رودها و دریاها و پستی ها و بلندی خود به خود خلق شده باشند و آفریدگاری نداشته باشند؟ سلطان از پند وزیر متنبه و بیدار گردید و به خداوند یگانه ایمان آورد. (۱)

## اقناع اندیشه

وقتی خدا مالک همه هستی است؛ پس، تدبیر امر زمین و موجودات آن، و همه عالم از او خواهد بود، پس او رب تمامی ما  
سواى خویش است. (۲)

خداوند در قرآن کریم ۴۲ مرتبه می فرماید: «رب تمام جهانیان من هستم.» (۳)

«رَبِّ» به کسی گفته می شود که هم مالک و صاحب چیزی است و هم در رشد و پرورش آن نقش دارد. خداوند هم صاحب حقیقی عالم است و هم مدبّر و پروردگار آن. پس همه هستی حرکت تکاملی دارد و در مسیری که خداوند معین کرده، هدایت می شود. (۴)

یکی از منکران ربوبیت خداوند، فرعون است. وقتی حضرت موسی علیه السلام او را به پرستش خدا دعوت کرد، او گفت:

«فَمَنْ رَبُّكُمْ يَا مُوسَى» (۵)

ص: ۹۷

---

۱- داستان های شهید دستغیب، ج ۱، صص ۴۳ تا ۴۵.

۲- ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۳۵.

۳- حمد/۲، بقره/۱۳۱...

۴- تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۴.

۵- طه/۴۹.

موسی گفت: «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى.» (۱)

معنای آیه این می شود: پروردگار من آن کسی است که میان همه موجودات رابطه برقرار کرده و وجود هر موجودی را با تجهیزات آن؛ یعنی قوا و آلات

و آثاری که به وسیله آن به هدفش منتهی می شود، با سایر موجودات مرتبط نموده است. (۲)

برای مثال بدن انسان، به عنوان اشرف مخلوقات، از پیچیدگی های خاصی برخوردار است. یکی از این پیچیدگی ها قلب است.

دانشمندان می گویند: اگر به قلب سالم یک پیرمرد نگاه کنید، می بینید که به طور معمول در یک دقیقه ۷۰ بار و در هر ساعت ۴۲۰۰ بار و در هر شبانه روز ۱۰۰۸۰۰ بار و در یک سال ۳۶۷۹۲۰۰۰ بار و اگر متوسط عمر را ۷۰ سال حساب کنیم، این عضو ۲۵۷۵۴۴۰۰۰۰ بار باز و بسته می شود. کدام فلز را سراغ دارید که ۲۵۷۵۴۴۰۰۰۰ بار به هم سائیده شود و یک هزارم میلی متر از ضخامتش کم نشود؟!

سرعت قلب نیز حیرت انگیز است. فشار قلب باعث می شود خون، طول رگ ها را که ۷۵۰۰ کیلومتر (مسافت بین تهران و نیویورک) است، در یک ساعت طی کند. کدام اتومبیل را سراغ دارید که در یک ساعت ۷۵۰۰ کیلومتر برود؟! حجم خونی که قلب ظرف یک سال پمپاژ می کند، ۲۶۰۰۰۰۰۰ لیتر است که برای حمل

ص: ۹۸

---

۱- طه/۵۰.

۲- ترجمه المیزان، ج ۱۴، ص ۲۳۲.

چنین خونی ۸۱ تانکر ۱۸ چرخ لازم است.

## پرورش احساس

ربیع حاجب می گوید: روزی مردی هندی در مجلس منصور، در حالی که حضرت صادق علیه السلام حضور داشت، کتاب طب می خواند. چون از قرائت مسائل طب فراغت یافت، به امام صادق علیه السلام عرضه داشت:

دوست داری از دانش خود به تو بیاموزم؟ حضرت فرمود: نه، زیرا آنچه من می دانم از دانش تو بهتر است. طیب پرسید: تو از طب چه می دانی؟ فرمود: من حرارت را با سردی، و سردی را با گرمی، و رطوبت را با خشکی، و خشکی را با رطوبت درمان می کنم، و مسأله تندرستی را به خدا وامی گذارم و برای تندرستی دستور پیامبر را به کار می برم که فرموده: «شکم خانه درد است، و پرهیز درمان هر دردی است، و تن را به آنچه خوی گرفته باید عادت داد.» طیب گفت:

طب چیزی جز این نیست.

امام فرمود: می پنداری که من این دستورها را از کتاب های بهداشتی یاد گرفته ام؟

گفت: آری.

امام فرمود: من این ها را از خدا فرا گرفته ام. تو بگو: من از جهت بهداشت دانایترم یا تو؟

طیب گفت: البته من.

امام علیه السلام فرمود: اگر اینچنین است من از تو سؤالاتی می کنم، تو پاسخ بده.

گفت: بپرس.

امام فرمود: چرا جمجمه سر چند قطعه است؟ طیب گفت: نمی دانم.

امام فرمود: جمجمه چون میان تهی است، چند پارچه آفریده شده، چون از چند پاره فراهم شده، دیرتر می شکنند.

امام فرمود:

ص: ۹۹

چرا موی سر بالای آن است؟

گفت: نمی دانم. فرمود:

موی بر فراز آن است، چون از ریشه آن روغن به مغز می رسد و از سر موها که سوراخ است بخارات بیرون می رود و سرما و گرمایی که به مغز وارد می شود، دفع می شود.

چرا پیشانی مو ندارد؟

گفت: نمی دانم!

امام فرمود: پیشانی موی ندارد تا روشنی به چشم برساند.

فرمود: چرا در پیشانی خطوط و چین است؟ گفت: نمی دانم.

فرمود: خط و چین آن برای این است که عرق و رطوبتی که از سر فرو ریزد، نگاه دارد و دیده را از آن حفظ کند، مانند رودخانه های روی زمین که آب های آن را نگاهداری می کنند.

پرسید: چرا بینی میان دو چشم است؟ گفت: ندانم.

بینی را میان دو چشم نهاد تا روشنایی را به صورت برابر میان آن ها بر کند.

پرسید: چرا کف دست ها موی ندارد؟ گفت: نمی دانم.

فرمود: دو کف دست را بی مو آفرید تا لمس کردن بدان ها واقع گردد؛ هر گاه موی داشت آدمی آنچه را دست می کشید، در نمی یافت.

آن طیب هندی گفت: این ها را از کجا آموخته ای؟ فرمود: از پدرانم و ایشان از پیامبر صلی الله علیه و آله و او از جبرئیل امین وحی و او از پروردگار که مصالح همه اجسام را داند.

طیب در آن وقت مسلمان شد و گفت: تو داناترین مردم روزگاری» (۱)

ای آن که قاصر است عقول از ثنای تو

اوهام را نه راه به خلوت سرای تو

١- . بحار الأنوار، ج ١٠، ص ٢٠٥، باب ١٣، حديث ٩.

ای آن که عرش با همه شان و علو خویش

سنگ آستان بارگه کبریای تو

ای آن که آسمان و زمین سنگ ریزه ای

در عرصه جلالت بی منتهای تو

ما را چه حد و وصف تو جایی که هر زمان

بر عجز خویش معترفند انبیای تو

تا عقل و فکر و منطق ما را تو خالقی

مخلوق کیست کاو بتواند ثنای تو

## رفتار سازی

خداوند می فرماید:

«عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.» (۱)

این آیه قرآن از روی یک قانون کلی و عمومی پرده بر می دارد، و تمام مرارت ها و سختی های اطاعت فرمان خدا را برای انسان سهل و گوارا می سازد،

زیرا به مقتضای "وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ" می داند که خداوند آگاه از همه چیز و رحمان و رحیم نسبت به بندگانش، در هر یک از دستوراتش

مصلحی دیده است که مایه نجات و سعادت بندگان است، و به این ترتیب بندگان مؤمن همه این دستورات را مانند داروهای شفابخش می نگرند و با جان و دل آن را پذیرا می باشند. (۲)

ص: ۱۰۱

---

۱- . بقره/ ۲۱۶.

۲- . تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۰۹.

البته سال ها متمادی باید طی بشود تا ما به فلسفه برخی از احکام پی ببریم؛ اینکه چرا بعضی از موسیقی ها حرام است؛ چرا تراشیدن ریش حرام

است، چرا و چرا و چرا.... مثلا در مورد غنا و موسیقی پیامدهای آن در نقل و عقل بیان شده:

امام صادق علیه السلام: «بیت الغناء لا تؤمن فيه الفجیعه، و لا تجاب فيه الدعوه، و لا یدخله الملک»؛ خانه ای که در آن غنا باشد، از مرگ و مصیبت دردناک ایمن نیست، و دعا در آن به اجابت نمی رسد، و فرشتگان وارد آن نمی شوند. (۱)

توجه به بیوگرافی مشاهیر موسیقی نشان می دهد که در دوران عمر به تدریج دچار ناراحتی های روحی گردیده اند، تا آنجا که رفته رفته اعصاب

خود را از دست داده؛ عده ای مبتلا به بیماری های روانی شده، و گروهی به دیار جنون رهسپار شده اند، دسته ای فلج و ناتوان گردیده و بعضی هنگام نواختن موسیقی درجه فشار خونشان بالا رفته و دچار سکته ناگهانی شده اند. (۲)

هر حکمی فلسفه ای عمیق و دقیقی در تربیت مادی و معنوی بشر و زندگی متعالی دنیا و آخرت دارد؛ اگرچه عقل ما قادر به درک بخش وسیعی

از این فلسفه ها نباشد.

## روضه

ابی عبد الله علیه السلام در شب عاشورا در خیمه تنها نشسته بود، و

ص: ۱۰۲

---

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، صص ۲۲۵-۲۳۰.

۲- تاثیر موسیقی بر روان و اعصاب، ص ۲۶.

شمشیرش را اصلاح می نمود و بر خود مرثیه می کرد:

يَا دَهْرُ أَفَّ لَكَ مِنْ خَلِيلٍ

كَمْ لَكَ بِالْإِشْرَاقِ وَالْأَصِيلِ (۱)

ای زمانه اف بر تو باد چه قدر مردمان صالح متقی و دوستان باوفا را به کشتن دادی. امام سجاد علیه السلام می فرماید:

این اشعار را چند مرتبه تکرار کرد، پس مقصودش دانستم و گریه گلویم را گرفتم، ولی خود را نگاه داشتم، فهمیدم بلا نازل خواهد شد، اما عمه ام تا این ابیات را شنید، سراسیمه نزد پدرم آمد: ای وای! کاش مرده بودم برادر! پس بر صورت خود زد و گریبان چاک کرد و بی هوش افتاد. (۲)

اینجا زینب علیها السلام فقط خبر شهادت برادر را شنید، نتوانست طاقت بیاورد، اما خدا چه صبری به زینب علیها السلام داد؛ آن وقتی بدن برادر را گودال قتلگاه دید. صدا زد: «أأنت اخی؟!... حسین... حسین

ص: ۱۰۳

---

۱- . موسوعه الامام الحسين (عليه السلام)، ج ۲، ص ۶۲۵.

۲- . ارشاد مفید، ج ۲، ص ۹۶.





انگیزه سازی

السلام علیک یا ام المؤمنین، السلام علیک یا زوجه سید المرسلین، السلام علیک یا ام فاطمة الزهراء سیده نساء العالمین، السلام علیک یا اول المؤمنات، السلام علیک یا من انفقت مالها فی نصره سید الانبیاء، و نصرتهما استطاعت و دافعت عنه الاعداء، السلام علیک یا من سلم علیها جبرئیل، و بلغها السلام من الله الجلیل، فهنیئا لک بما اولاک الله من فضل، و السلام علیک و رحمة الله و برکاته.

عفیف کندی می گوید:

در یکی از روزها برای خرید لباس و عطر وارد مکه شدم و در مسجد الحرام در کنار عباس بن عبد المطلب نشستم. وقتی که

خورشید به اوج بلندی رسید، ناگهان دیدم مردی آمد و نگاهی به آسمان کرد و سپس رو به کعبه ایستاد. چیزی نگذشت که نوجوانی به وی ملحق شد و در سمت راست او ایستاد. سپس زنی وارد مسجد شد و در پشت سر آن دو قرار گرفت. آنگاه هر سه با هم مشغول عبادت و نماز شدند.

من از دیدن این منظره که در میان بت پرستان مکه، سه نفر حساب خود را از جامعه جدا کرده و خدایی جز خدای مردم مکه را می پرستند، در شگفت ماندم. رو به عباس کردم و گفتم: «أمر عظیم!» او نیز همین جمله را تکرار کرد و سپس افزود: آیا این سه نفر را می شناسی؟ گفتم: نه. گفت: نخستین کسی که وارد شد و جلوتر از دو نفر دیگر ایستاد، برادر زاده من محمد بن عبد الله است و دومین نفر، برادر زاده دیگر من علی بن ابی طالب است و سومین شخص همسر محمد است. و او مدعی است که

آیین وی از جانب خداوند بر او نازل شده است و اکنون در زیر آسمان خدا کسی جز این سه از این دین پیروی نمی کند. (۱)

برای مقام بانویی که صاحب امروز است همین بس که پیامبر صلی الله علیه و آله در موردش فرمودند:

«خدیجه و این مثل خدیجه؟ صدقتی حین کذبتی الناس و آزرّتی علی دین الله و اعانتی بمالها.» (۲)

او هنگامی به من ایمان آورد که مردم کافر بودند؛ او مرا تصدیق

ص: ۱۰۶

---

۱- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۲؛ کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۲؛ استیعاب، ج ۳، ص ۳۳۰.

۲- سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۸۲.

کرد، زمانی که مرا تکذیب کردند؛ و تمام اموال خود را در اختیار من گذاشت.

## اقناع اندیشه

خداوند متعال در قرآن می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ.» (۱)

سه رکن اساسی از ارکان این تجارت بزرگ و بی نظیر مشخص شد: "خریدار"، خدا است، و "فروشنده"، انسان های با ایمان، "و متاع"، جان ها و اموالشان، اکنون نوبت به رکن چهارم می رسد که "بهای" این معامله عظیم است.

می فرماید:

هر گاه چنین کنید خداوند گناهانتان را می بخشد و شما را در باغ هایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است و در مسکن های پاکیزه در بهشت جاویدان جای می دهد، و این پیروزی عظیمی است: «يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.» (۲)

یکی از بهترین جاهایی که انسان می تواند مالش را انفاق کند، تبلیغ و دعوت، ارشاد و هدایت مردم به ارزش های الهی است و گاهی اگر این انفاق ها نباشد، تبلیغ دین دچار خلل می شود و گمراهی جامعه را فرا می گیرد.

ص: ۱۰۷

---

۱- . صف / آیه ۱۰-۱۱.

۲- . صف / آیه ۱۲.

چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حضرت خدیجه علیها السلام فرمودند: «ما قام و لاستقام دینی الا بمال الخدیجه و سیف علی بن ابیطالب»؛ بر پا نشد و استقامت نکرد دین من، الا به دارایی خدیجه و شمشیر علی بن ابیطالب.

در احادیث آمده است: در شهر مکه کسی از حضرت خدیجه علیها السلام ثروتمندتر نبود. آن حضرت بیش از ۸۰ هزار شتر در مناطق مختلف برای تجارت داشتند، و در شهرها و کشورهای مختلف همچون مصر و حبشه دارای تجارتخانه بودند.

پس یقیناً از مصادیق مهم آیه فوق حضرت خدیجه علیها السلام می باشد که با جان و اموالش به یاری پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول شد و از کمک رسانی به تبلیغ دین الهی دریغ نکرد.

### پرورش احساس

عیاشی در تفسیر خود از ابی سعید خدری روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

در شب معراج، هنگامی که باز گشتم، به جبرئیل گفتم: آیا حاجتی داری؟ گفت: حاجتی ان تقرا علی خدیجه من الله و منی السلام... و چون خدیجه

سلام الله علیه سلام را دریافت نمود، در پاسخ گفت: ان الله هو السلام، و منه السلام، و الیه السلام. (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله که از مقام والای این بانو نزد خدای متعال خبر داشت، همیشه ایشان را به نیکی یاد می کرد.

ص: ۱۰۸

ابن حجر در کتاب الاصابه فی تمییز الصحابه از عایشه نقل کرده است:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يَكَادُ يَخْرُجُ مِنَ الْبَيْتِ حَتَّى يَذْكُرَ خَدِيجَةَ فَيَحْسِنُ الثَّنَاءَ عَلَيْهَا، فَمَذَّكَرَهَا يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ فَأَذْرَكَنِي الْغَيْرَةَ، فَقُلْتُ: هَلْ كَانَتْ إِلَّا عَجُوزًا وَقَدْ أَبْدَلَكَ اللَّهُ خَيْرًا مِنْهَا، فَعَضَبَ حَتَّى اهْتَزَّتْ مَقْدَمُ شَعْرِهِ مِنَ الْعَضَبِ.»

حضرت محمد صلی الله علیه و آله هیچ گاه از خانه بیرون نمی رفت، مگر این که یادی از خدیجه می کرد و از او به نیکی نام می برد. یک روز که حضرت محمد صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام یاد کرده و خوبی های او را بیان می کرد، غیرت زنانه بر من غالب شد و به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم:

آیا او یک پیرزن بیشتر بود و حال آن که خداوند بهتر از آن [یعنی خود عایشه] را به تو داده است؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از این گفتار من، خشمگین شد، به طوری که موهای جلوی سرش از شدت خشم به حرکت درآمد، فرمود:

او هنگامی به من ایمان آورد که مردم کافر بودند؛ او مرا تصدیق کرد، زمانی که مرا تکذیب کردند؛ و تمام اموال خود را در اختیار من گذاشت. خداوند از او به من اولاد عطاء کرد، ولی از زنان دیگر نه.

عایشه می گوید: با خودم گفتم دیگر خدیجه را با بدی یاد نکنم.

و هرگاه پیامبر گوسفند ذبح می کردند، می فرمودند: از گوشتش برای دوستان خدیجه ببرید. یک روز در این خصوص به پیامبر صلی الله علیه و آله

عرض کردم: چرا به دوستان خدیجه؟ فرمودند: «انی

محبت رسول خدا مانند افراد عادی نیست؛ بر اساس معیار و ملاک الهی است، اما چه چیز باعث شده این بانو این قدر نزد پیامبر محبوب باشند؟

شاید یک دلیل مهم، یاری دین خدا توسط حضرت خدیجه علیها السلام بوده است، حضرت خدیجه علیها السلام و هر کس که در راه تبلیغ دین الهی مجاهدت کند، مصداق این آیه قرآن است که می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثِّبْ أَقْدَامَكُمْ.»

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری خواهد کرد و قدم هایتان را ثابت خواهد نمود. از همین رو، وقتی زنان مدینه ایشان را تنها گذاشتند، خدای متعال برای ایشان سنگ تمام گذاشت.

حضرت خدیجه به زنان قریش پیام داد که برای وضع حمل ایشان بیایند، ولی نیامدند و گفتند: با تو رفت و آمد نمی کنیم، چرا که نصیحت ما را گوش ندادی و همسر محمد شدی. در این حال که تنها مانده بود و از کمک زنان قریش ناامید، چهار زن نورانی وارد شدند و خود را به حضرت معرفی کردند. یکی گفت: من مادرت حوا هستم؛ دیگری گفت: من آسیه بنت مزاحم هستم؛ سومی گفت من کلثوم خواهر موسی هستم؛ چهارمی گفت: من مریم دختر عمران مادر عیسی هستم؛ آمدیم تا تو را یاری کنیم و

ص: ۱۱۰

ناراحتی های زایمان را از تو بکاهیم. (۱)

بله. ان تنصر الله ینصرکم.

## رفتار سازی

حال اگر بخواهیم ما هم همانند این بانو نزد خدای متعال و رسولش محبوب شویم، چه باید بکنیم؟

خداوند در قرآن می فرماید:

«الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه عند الله و اولئک هم الفائزون یشترهم ربهم برحمه منه و رضوان و جنت لهم فیها نعیم مقیم.» (۲)

کسانی که ایمان آورده و مهاجرت نموده و در راه خدا با اموال و جان های خود مجاهدت نمودند، نزد خدا از نظر درجه و منزلت بزرگ ترند، و ایشان، آری، تنها ایشانند رستگاران. پروردگارشان به رحمتی از خود و رضوان و بهشت هائی بشارت می دهد که در آنست نعمت هائی دائم.

از ظاهر سیاق برمی آید که رحمت و رضوان و جنتی که می شمارد، بیان همان رستگاری است که در آیه قبل می باشد، و در این آیه به طور تفصیل و به زبان بشارت و نوید آمده است. پس معنای آیه این می شود که: خدای تعالی این مؤمنین را به رحمتی از خود که از بزرگی قابل اندازه گیری نیست و رضوانی مانند آن و بهشت هائی که در آن ها نعمت های پایدار هست، و به هیچ وجه

ص: ۱۱۱

---

۱- . زندگانی حضرت زهرا، روحانی، ص ۲۲۳ به نقل از الخرائج، ج ۲، ص ۵۳۰.

۲- . توبه/ آیات ۲۰-۲۱.



از بین نمی رود، و خود اینان هم بدون اجل و تعیین مدت،

جاودانه در آن ها خواهند بود، بشارت می دهد. (۱)

یقیناً کسی که رستگار شده است، محبوب خدا و رسولش هم می باشد.

قال علی علیه السلام لابنه الحسن علیه السلام:

«انما لك من دنيك ما اصلحت به مثواك فانفق في حق ولا تكن خارناً لغيرك.» (۲)

همانا بهره تو از دنیا آن چیزی است که به وسیله آن معاد خود را اصلاح کرده باشی، بنابراین در راه حق انفاق کن و برای غیر خودت ذخیره

نکن.

و نکته مهم این است که اگر در راه دین خدا انفاق نکنی، در راه های نامعلوم و بلکه معصیت هزینه می شود.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«انْفِقْ وَ اَيُّقِنْ بِالْخَلْفِ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ مَنْ لَمْ يُنْفِقْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ ابْتُلِيَ بِأَنْ يُنْفِقَ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ لَمْ يَمْشِ فِي حَاجِهِ وَلِيَ  
اللَّهُ ابْتُلِيَ بِأَنْ

يَمْشِيَ فِي حَاجِهِ عَدُوَّ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.» (۳)

انفاق کن و یقین داشته باش که خداوند جای آن را پر می کند. هر کس که در راه اطاعت خداوند انفاق نکند، مبتلا به آن می شود که در راه معصیت او انفاق کند. و کسی که در راه کمک به بنده خوب خداوند قدم بر ندارد، مبتلا به آن می شود که در راه حاجت دشمن خداوند گام بردارد!

ص: ۱۱۲

۱- . تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۲۷۴.

۲- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۱۱.

۳- . من لا يحضره الفقيه، جلد ۴، صفحه ۴۱۲.

حضرت خدیجه علیها السلام کسی بود که در راه کمک به بهترین بنده خدا بیشترین قدم ها را برداشت و در دنیا و آخرت آبرو پیدا کرد. اجازه

بدهید نکته ای را بیان کنم. زمان فوت حضرت خدیجه، فاطمه زهرا علیها السلام پنج سال بیشتر نداشتند، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله

از دفن حضرت خدیجه کبری به خانه برگشت، فاطمه زهرا علیها السلام بسوی پدرش دوید و مدام گرد او می گشت و می گفت: «ابت این امی؟» پیامبر صلی الله علیه و آله ساکت بودند و کلامی نمی گفتند، جبرئیل نازل شد و گفت: یا رسول الله!

خدا می فرماید:

سلام ما را به فاطمه برسان و بگو مادرت در بهشت، در یک منزل مزین، با آسیه و مریم دختر عمران با هم صحبت می کنند.

اما آی عاشقان! من دختر سه ساله ای را می شناسم که وقتی خسته می شد و بهانه بابا می گرفت، نه تنها دلداری اش ندادند و نگفتند پدرش در اعلی علین بهشت است، بلکه سر بریده بابا را برایش آوردند و در مقابل دختر سه ساله گذاشتند.



فہرست تفصیلی

فرصت ماہ میہمانے خدا	۱۵
انگیزہ سازی	۱۵
اقناع اندیشہ	۱۷
پرورش احساس	۱۸
رفتار سازی	۲۰
روضہ	۲۲
آشنایے با میزبان (معرفت اسماء وصفات الہے۔ آثار بسم اللہ ...)	۲۵
انگیزہ سازی	۲۵
اقناع اندیشہ	۲۶
پرورش احساس	۳۰
رفتار سازی	۳۲
روضہ	۳۳
رحمت واسعہ الہے	۳۵
انگیزہ سازی	۳۵
اقناع اندیشہ	۳۶
جزای خود عمل:	۳۷
جلوگیری از غفلت از یاد خدا:	۳۸
پرورش احساس	۳۹
رفتار سازی	۴۰
روضہ	۴۳

غضب الہے	۴۵
انگیزہ سازی	۴۵
اقناع اندیشہ	۴۶
پرورش احساس	۴۷
رفتار سازی	۵۰
روضہ	۵۲
قدرت الہے	۵۵
ایجاد انگیزہ	۵۵
اقناع اندیشہ	۵۷
پرورش احساس	۵۹
رفتار سازی	۶۲
روضہ	۶۳
رزا قیت الہے	۶۵
انگیزہ سازی	۶۵
اقناع اندیشہ	۶۶
پرورش احساس	۷۰
رفتار سازی	۷۲
روضہ	۷۳
علم الہے (ستار العیوب)	۷۵
انگیزہ سازی	۷۵
اقناع اندیشہ	۷۷
پرورش احساس	۷۷
رفتار سازی	۸۱
روضہ	۸۳

غَفَّارِ الدَّنُوبِ	۸۵
انگیزه سازی	۸۵
اقناع اندیشه	۸۷
پرورش احساس	۸۸
رفتار سازی	۹۰
روضه	۹۲
خالقیت، مالکیت، ربوبیت	۹۵
انگیزه سازی	۹۵
اقناع اندیشه	۹۷
پرورش احساس	۹۹
رفتار سازی	۱۰۱
روضه	۱۰۲
خداشناسی حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>	۱۰۵
انگیزه سازی	۱۰۵
اقناع اندیشه	۱۰۷
پرورش احساس	۱۰۸
رفتار سازی	۱۱۱
روضه	۱۱۳

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه



بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

